

نمایدگان این مسئله حل نشده است بنابر این احتمال دارد که ده روز یا دوازده روز دیگر از عمر این مجلس شورای ملی بیشتر باقی نمانده باشد در این ده دوازده روز تصور بفرمائید که این همه چیزهایی که جزء دستور میشود چند جلسه دیگر داریم و باین تقاضاهائی که میشود و نظامنامه انتخابات را هم در دست داریم آیاموفق میشویم بگذرانیدن قانون انتخابات یاخیر و بنده عرض میکنم همان دوقفیه را هم که خود آقای نایبرئیس جزء دستور گذاشته آن هم از دستور خارج شود و منحصر بشود دستور مجلس بهمان قانون انتخاب برای افتتاح مجلس در آتیه منوط است بهمن نظامنامه انتخاب و اگر اوتام نشود و مدت دوره این مجلس منقضی شود آنوقت نیندازیم چه حالتی پیدا خواهد بود بجهت اینکه در واقع مذاکره در این قانون انتخابات را باطل کرد در این صورت بنده تقاضا میکنم دستور شورای ملی منحصر باشد بهمان نظامنامه انتخابات.

نایبرئیس - چون در این مذاکراتی که میشود راجع به تغییر دستور باید رأی گرفت آن وقت که آن دستور را معین کردیم همه برای رأی کافی نبود ولی حالا کافی نیست که رأی گرفته شود.

سلیمان میرزا - در چند شب قبل گویا آقای ادیبالتجار يك تقاضائی مکررند که در حقیقت خیلی قابل توجه و مهم بود ولیکن تاکنون هنوز بموقع اجرا نرسیده است و آن این است که شنبه میشود در این جنگ ها بعضی نوشتجات و بعضی اسناد بدست آمده که خیلی مهم است و این يك چیزی که بسیار مهم است و باید نماینده محترم از این اسناد مطلع باشند و این چیزی نیست که بامروز و فردا بشود از آن صرف نظر کرد و بنده این را از مطالب بسیار بسیار مهم میدانم برای اینکه از آن نوشتجات مطالب بسیاری را میتوان درک کرد شاید در طول زمان از بین برود پس خوب است هر چه زودتر و بفوریت این اسناد به مجلس بیاید که شاید خیلی مطالب عمده از این اسناد کشف بشود و فوت وقت و تأخیر او را بنده خیلی مضر میدانم این است که تقاضا میکنم - اگر از هیئت رئیس تا بحال در این خصوص چیزی نوشته شده است در نانی تأکید بشود که ما باین اسناد و بآن مطالبی که لازم است برسیم و سال مجلس هم به عقیده بنده شمسی است قمری نیست.

نایبرئیس در این باب مذاکره شده و مکرر مطالبه شده است و قرار شد که آن اسناد را بفرستید بکمیسیون بوجهی چون این يك مطلبی است که راجع میشود بآن اشخاصیکه صاحب حقوق بوده اند و باید حقوق آنها قطع شود و از اینجهت قرار شده است که تمام آن نوشتجات رایاوردند بکمیسیون بوجهی خود شهر هم آنچه لازم است تحصیل بکنند و یکمرتبه بیاورند اقدام کند آقای دکتر رضاخان توضیحی داشتید در باب آن مطلب که فرمودید.

دکتر رضاخانی - عرض بنده راجع بسوه تفاهمی بود که آقای متین السلطنه توضیح فرمودند که مسبو بوطن خیلی خدمت کرده است و بموجب نظام نامه داخلی حق داشتم توضیح بدهم که آن سوء تفاهم رفع شود و آن اخطاریکه فرمودند خواستم عرض

کنم که بنده برخلاف نظم حرکت نکردم تا اینکه مورد اخطار بشوم.

نایبرئیس - ملاحظه بفرمائید مخصوصاً در نظامنامه داخلی قید شده است که اگر سوء تفاهمی شده است میتوانند در آخر مجلس توضیح بدهند حالا اگر میل دارید و می خواهید بیان کنید بفرمائید.

دکتر رضاخان - مقصود بنده این بود که بنده هیچ مخالفتی نمیکردم از بابت مسبو بوطن گاهی موافقتین بر میخواستند و اظهار حرارت میکردند و می گفتند که این آدم خوبی است و خدمت کرده است بنده خیلی از آنها بیشتر اطلاع داشتم و میدانستم که خدمت کرده است ولی برای اینکه بتوانند شاگردانی را که باو میسپارند تعلیم نمایند طول مدت را تقاضا کردم که مدت کنترات او را چهار سال قرار بدهم و این سوء تفاهمی شده بود بخیال من مرا مخالف فرض کرده بودند.

آقای میرزا احمد - در باب آن یشهادی که آقای ادیبالتجار کرده بودند و در خصوص آن اسناد میخواستم عرض کنم که جوابی را که فرمودند نمایندگان را قانع نکرد برای اینکه شاید در این اشخاصی و اشخاصی باشند که حقوق نداشته باشند لذا تمام آنها را خوب است بخواهند و در اطاق تنفس یادر يك اطاق دیگر بگذارند که تمام و کلا بخواهند و بهینند.

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۰۶

صورت مشروح جلسه یوم شنبه بیستم شهر شوال المکرم ۱۳۲۹

رئیس - (آقای مؤتمن الملک) سه ساعت قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرموده و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح شد.

آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت کردند و اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - دکتر اسمعیل خان - دهخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - آقا میرزا یانس مریم - حاج آقا - غائبین با اجازه آقا محمد - شیبانی - نجم آبادی - لواء الدوله آقابانیکه از وقت مقرر تخلف نمودند - حاج امام جمعه دوساعت ۲۵ دقیقه - داباطبائی ۳۵ دقیقه - وحید الملک - دکتر امیرخان - سلیمان میرزا هریک نسیسات حاج وکیل الرعایا ۵۰ دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **افتخار الواعظین** - در آخر جلسه بنده يك تقاضائی کردم در باب راپورت کمیسیون فوائد - هاهراج بخاک جزیره هرمز که جزء دستور گذاشته شود آقای نایب رئیس هم قبول فرمودند و اینجا قید نشده است.

رئیس - اصلاح میشود.

ادیبالتجار - بنده هم در آخر جلسه تقاضا کردم طرح راجع بمنع احتکار را از کمیسیون داخله بخواهند و زودتر جزء دستور مجلس بگذارند و اینجا قید نشده است.

رئیس - اصلاح میشود.

آقای میرزا احمد - در آخر جلسه حضرت والا سلیمان میرزا شرحی راجع بتقاضای آقای ادیبالتجار در آوردن آن نوشتجاتیکه بدست آمده است اظهار کردند آقای نایبرئیس هم جوابی دادند بنده هم جوابی دادم و بهیچوجه متذکر نشده است در صورت مجلس.

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد دستور مجلس قانون انتخابات در مرکز حوزه های انتخابیه آقایان در خاطر دارند که در شور اول گفتیم که در کلیات اعتراض بعضی دادند و این ایراد هم صحیح بود گمان میکنم اگر در کلیات مذاکره شود در جزئیات زحمتان کمتر است یعنی مثل طرحهای قانونی اول در کلیات مذاکره کنیم بعد در جزئیات یعنی در حوزه های جزء مذاکره میشود دیگر اینکه در باب رأی گرفتار آنرا بناباشد برای هر محلی نماینده کمیسیون شده است بخواهیم رأی بگیریم باید هشتاد مرتبه رأی بگیریم گمان میکنم بهتر این باشد که برای هر حوزه انتخابیه يك رأی بگیریم ولی اگر بعضی از آقایان می بینند که بعضی ملاحظات در حوزه بندیها شده است پیشنهاد میکنند که تجزیه شود آنوقت تجزیه میشود و در هر جزء بکرای گرفته میشود حالا در کلیات این حوزه بندیها مخالفی هست یعنی مخالفی هست که در کلیات مذاکره شود.

حاج شیخ اسمدالله - بنده مغالتم و عرض میکنم مذاکره در کلیات حوزه بندی آذربایجان شد ولی در کلیات این حوزه بندیها شده است ولی در خصوص آذربایجان مذاکره شده است و رأی هم داده شده است بنده که دیگر در کلیات حوزه بندیها آذربایجان مذاکرات کافی است پس در کلیات آذربایجان نباید مذاکره شود.

رئیس - مقصودم راجع تمام حوزه بندیها است حالا رأی میگیریم آقابانیکه موافقت که در کلیات حوزه بندیها مذاکره شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد حالا مذاکره در کلیات است در کلیات این لایحه مخالفی هست؟

بهجت - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

بهجت - همینطوریکه آقای رئیس متنبه شدند شور در کلیات لازم بود برای اینکه ما اگر شور در کلیات نمیکردیم لازم میشد که در هریک از حوزه بندیهای عرایش را که در کلیات باید بکنیم در جلسه گذشته خاطر نمایندگان را مستحضر کردم حالا هم عرض میکنم در این حوزه بندیها دو نظر عمده است یکی انتخاب جمعی است و یکی لازم است که محرومیت خیلی در قراء و قصبات است و بنده از این نقطه نظر مخالف هستم یعنی صومیت دارد انتخابات با شرایط و معنی محرومیت این میشود با وجود آن شرایطی که در نظامنامه انتخابات قید شده است ممکن است بعضی از قراء و قصبات بکلی محروم شوند و محرومیت آنها لازم نیست که بطور وضوح باشد بلکه ممکن است حوزه بندیها را بطوریکه بکنیم که بر حسب وضع طبیعی انتخاب اسباب محرومیت آنها بشود اینهم معنی محرومیت است مثلا اشخاصیکه مشغول کسب و کار هستند بگوئیم بروید سی فرسخ آنطرف تر رأی بدهید مسلماً نخواهند رفت و اسباب محرومیت

آنها خواهد شد و لو اینکه معرومیت آنها تصریح نشده باشد مثلا رشت را مثال میزنم که در اینجا يك حوزه انتخابیه قرار داده اند اگر بنده بطور تحقیق ندانسته باشم که عرض و طول گیلان چقدر است ولی افلا ۱۰ فرسخ در ۲۰ فرسخ است این اقل چیزی است که ممکن است فرض کرد که کمتر از این نخواهد بود در شور اول قانون انتخابات حوزه های جزئی معین شده بود با وجودیکه غالباً انتخاب جمعی بود و هیئت هائیکه بودند رأی آنها را میگرفتند و میفرستادند یعنی خلاصه اش را میفرستادند بر کز حالا در این جا کلیه منوط کرده ایم برای انجن نظر وقتیکه برای انجن نظر مرکز می شد ممکن است يك اختلاف کلی در موقع انتخابات بروز کند بجهت آن که این وسیله میشود که از هر دهی تقاضای يك انجن بکنند و این را هیئت نظر نمیتوانند تصویب بکنند و بین معظورین واقع خواهند شد دیگر آن که بجهت آن که کسی نمیتواند بگوید که استحقاق نامزد هر کس خودش را ذیحق میداند حالا ما چه بکنیم حق بدیم یا ندهیم اگر حوزه جزء قرار ندهیم شکایت زیاد خواهد شد و میگویند که ما ها استحقاق داشتیم و هیئت انجن نظر حق ما را بما ها نداد پس بنا بر این تفصیل لازم میشود که ما هیئت های جزو و حوزه های کوچک معین کنیم در همین قانون انتخابات این يك اختلافی است که قطع نظر بنده بود و یکی در انتخابات جمعی است که علاوه بر این که حوزه های فردی را انتخاباتشان را تقویم کردیم علاوه آمدیم آن حوزه های کوچک را روی هم گذاشتیم و يك حوزه بزرگی قرار دادیم بکننده نظریکه مغیر فرمودند همین مسئله سهولت بود که ما چونیکه خیلی مشتاق هستیم که منتخبین مجلس آتی زودتر انتخاب شوند بیایند بمجلس این شکل که بکنیم انتخاب جمعی را زودتر آن مقصود حاصل میشود اما این جا يك مطلبی است و آن اینستکه این سهولت که ما دلمان میخواهد بواسطه لغو شدن بعضی حقوق است که لغو میشود و اگر خواسته باشیم آن حقوق را بآنها بدیم و رأی بدیم که حوزه های جزء يك انجن نظاری داشته باشند و آراء آنها لغو نشود و انتخاباتهم طول نکند بهتر است بواسطه این که اگر هشتاد و خودی یک نفر وکیل داشته باشد با توابعش زودتر وکیل او خواهد آمد این جا تا این که از انجن جزء برود در انجن نظر تریز بعد از آن که از الان بر آغوش و دهخوارقان و همه جا آمدند آن وقت از مجموع اینها يك رأی کلی بگیرند پس اگر منظور رعایت سهولت است که بخواهیم سهولت را مراعات بکنیم انتخاب فردی اسهل است اما اگر معصود ما اینستکه سهولت را با بطریق بدست یاوریم که اختیار را واگذار کنیم به هیئت نظر مثلاً آن انجن نظر شهر تریز حق پیدا کردند و بآنها حق ندهند و بگویند حق ندادیم مرکز انتخاب در شهر تریز خواهد بود و آنها معروم شوند آن وقت يك اسهلتی خواهد بود که در حقیقت معروم شدن است بجهت این که آن نماینده که از آن مرکز انتخابیه انتخاب شود يك نماینده حقیقی نیست بلکه يك اکثریتی است که اقلیت است آن نقاط جز

جزئیکه هست وقتیکه مجموع آنها را ملاحظه کنیم میبینیم که اکثریت آنها بیشتر از شهر تریز است و بلاحفظه این که آنها را منوط کردیم شهر تریز از حقوقشان معروم خواهند بود این جا آقای مغیر يك فرمایشی کردند که لازم است جوابش را عرض کنم فرمودند اقلیت و اکثریت لازمه انتخاب است همه جا همیشه يك عده را معروم میکنند باز مجدداً این مسئله را توضیح میکنم که این مطلب دائر بین نفی و اثبات است یا باید بشود یا باید نشود این معصوم بین حاضرین است اما اگر يك اقلیت و اکثریتی ملاحظه مکرریم که آن اقل را بحق خودش رسانیدیم و آن اکثر را هم بحق خودش رسانیدیم اینجا منافاتی نیست که بگوئیم از بین میروند ملاوقتی هشتاد و توابعش را يك وکیل بدیم آن اقلیت يك فایده و انتظامی میرود يك وکیل دارا خواهد شد ولی اگر ضمیمه شهر تریز بکنیم بهتر است چون شهر تریز جمعیتش بیشتر است و اکثریتش بهتر است اکثریت را خواهند برد آنوقت این جا گفته میشود چه ضرر دارد که اهالی هشتاد و بروند با اهالی دهخوارقان اتحاد کنند و این اکثریت را با هم ببرند این بدیهی است که میدانیم که خیلی سهل است که بدون اسباب مقدمه اش از مردم درخواست میکنیم میدانید که در این دهات روابطشان کم است و شرکشان اشکال دارد اگر ما میخواهیم جزء تریز بکنیم پس بنا بر این معنی باید بگوئیم که هشتاد و جزء تریز است و این معروم شدن از حق انتخاب بنا بر این تفریر اگر ما بخواهیم این سهولت در انتخاب باشد وهم مردم تا يك اندازه معروم نشوند به تریزی است که همان انتخاب جمعی باشد که ما معروم نکرده باشیم باید تصریح کنیم که کجایند دارند که يك انجن نظاری داشته باشند و کجایند ندارند و برای انجن نظار مرکزی هم اشکالاتی پیش نیاید.

ذکاء الملک - در مسئله اول که تشکیل انجنهای جزء باشد در بلوکات اینجا بنده عرض نمی کنم بجهت اینکه آقای بهجت مسوق هستند که راپورتی را که از کمیسیون آمده بود همینطور تصیل داده شده بود و لکن اینجا پیشنهاد شده بود که آن ترتیب را تبدیل کنند و آن پیشنهاد هم قابل توجه شد و بکمیسیون هم آمد و کمیسیون هم رأی داد حالا دیگر بنده در اینجا تناسب را نمیدانم و اما در مسئله دوم و انتخاب جمعی اگر چه در جلسه گذشته هم بطور مختصر بنده جواب اعتراضات آقایان را دادم و هم بعضی اشخاص دیگر بنا بر این بازمه بتفصیل عرض نمیکنم همینقدر عرض میکنم که این انتخاب جمعی را که اینجا اینقدر مذاکره میشود تفاوتی که پیدا شده است که بنده ملاحظه میکنم در چهار پنج نقطه اش بیشتر نیست و در مابقی نقاط اینطور نیست و بعد ملاحظه خواهیم فرمود و اما اینکه بنده عرض کردم که این ترتیب سهل تر است نه بان نظری بود که آقای بهجت فرمودند بلکه باین نظر بود که چون مردم این ملک هنوز با انتخابات معتاد نشده اند در دهات و بلوکات کمتر از مردم شهر داخل در عمل انتخابات بودند بلکه میتوانیم بگوئیم که هیچ در انتخابات شرکت نداشته اند اگر آنها را مستقل قرار بدیم در

انتخاب کردن رأی دادن ممکن است که يك مدت مدیدی طول بدهند تا انتخاب بکنند یا متویق بیندازند بنا بر این حتی الامکان آنجائی را که دیدیم شایسته است ملحق نکرديم ولی در جاهائیکه دیدیم که سهل و مناسب نیست که اینکارا بکنیم بلوکات و شهرها را جزء کردیم که اینها هم بتوانند بیایند در شهرها شرکت بکنند و همه در نقاط خودشان که لازم است انجن نظارت جزء تشکیل بدهند و اگر هم نکرده اند لافق انتخابات بتأخیر بکنند و نظر بیشتر باین بوده است که اگر انتخاب نکرده و یا اگر خیلی تأخیر انداختند آنوقت در شهرها انتخاب میکنند و انتخاب اهالی بتعویق نیافتند مثلاً اینکه این بلوکات را ضمیمه شهر تریز کردیم آنوقت در مدت مسینی که یکماه یا چهار روز باشد که مدت حوزه انتخابیه است از شهر تریز چهار نفر خواهد آمد ولی معلوم نیست که آن بلوکات اراغ نماینده خودشان را معین بکنند و بفرستند در صورتیکه اگر اینکار را کردیم مثل حال حاله آنوقت آنها می خواهند کرد و آراء خودشان را خواهند داد چون بصفت معینی دارند ولی اگر انتخاب نکرده کاهلی کرده فلت کرده بوجوب بعضی از موادیکه در نظامنامه انتخابات معین شده است آن نه فررا در تریز معین خواهند کرد و بجای چهار نفر ما نه نفر نماینده خواهیم داشت این بطور سهولت میشود و اما در مسئله معرومیت باز در جلسه گذشته بنده و سایرین تفصیلاً جواب دادیم که این معرومیت تا يك اندازه در ایران با این ترتیب و حال حاله قهراً واقع میشود منتهاش اینکه این معرومیت حالا در بلوکات اطراف تریز یا اطراف طهران اگر واقع شود نسبت بطهران و تریز واقع خواهد شد اما اگر آن قسم قرار بدیم آن معرومیت نسبت به بلوکات مجاور یکدیگر واقع خواهد شد چنانکه عرض کردم خوار نیست به ورامین و یا ورامین نسبت بخوار حالا اگر واقع شود این معرومیت خوار و ورامین نسبت بطهران معرومیت پیدا میکند و اگر بخواهند این معرومیت را پیدا نکنند چاره اش جز این نیست که مردم واقفاً يك اهتماماتی در عمل انتخاب داشته باشند و یا مردم را داوطلبی در نظر بگیرند و آراء خودشان را زیاد بکنند چنانچه اکثر این معرومیت پیش بیاید بازمه دلیل بر اینست که اهالی این مملکت عادت با انتخابات ندارند نمیدانند چه بکنند لابد در هر جائی يك مردمانی هستند اگر بدانند چه بکنند مردمان را در نظر بگیرند و انتخاب بکنند یا در جاهائیکه منظور میشود در نظر بگیرند و انتخاب کنند گمان میکنم که هیچ معرومیتی در بین نباشد.

دکتر حاج رضا خان - بنده گمان اینستکه این جوابهائیکه آقای مغیر فرمودند هیچکدام را قانع نمیکند اینجا مقصود معرومیت حق انتخاب نیست برای اینکه شما که حق انتخاب میدید برای اینکه باید بکنند بنویسند يك نفر بنویسند پس حق انتخاب را میدید فقط چیزیکه وکیل را در حقیقت از او گرفته اید آیا انتخاب فردی و تعیین داوطلب برای چه چیز است بر اینست که اکثریت مردم معلوم شود و بدانند که این وکیل از طرف اکثریت است مثلاً فرض کنیم که طهران پانصد هزار جمعیت دارد این پانصد هزار جمعیت باید پنج نفر وکیل بدیم پنج

نفر وکیل هم اطراف باید بدیم که پنج حوزه صد هزار نفری باشد معلوم است که انتخاب جمعی شد و شرکت دادیم آن حوزه های کوچک را باین حوزه های بزرگ معلوم است که در این حوزه های بزرگ از جهة فراهم بودن اسباب و نزدیک بودن اسکنه و اتفاق و اتحاد وسایل رأی دادن فراهم است و دو هزار نفر که نباشند در آنجا رأی بدهند آنوقت آن بیچاره ها که در اطراف هستند باید بیایند جمع شوند و رأی بدهند آن وقت آنها آراء مختلفه میدهند و در هر حوزه دوسه نفر را بنویسند و در واقع آنها از وکیل معروم و حق وکیل را از آنها سلب کرده ایم یعنی دهاتی و اطراف نباید وکیل بدیم و شهری باید بدیم مثلاً آراء این شهر پانصد هزار نفر بود جمع شد این آراء در این شهر که پنج نفر معین کنند و در سایر جاهای دیگر هم صد هزار یا دوهزار بود که وکیل معین کرده است و باقی در واقع وکیل ندارند اینک میگویند باید انتخاب فردی باشد و حوزه کوچک نه نظر به معرومیت است نظر باینست که میگویند از اطراف انتخاب بشود مثلاً فرض میکنیم که حوزه صد هزار نفری که باید بکنند وکیل بدیم و پنج هزار نفر در حوزه جمع شدند در صورتیکه بخواهیم معین کنیم و اینجا معلوم است که پنج هزار نفر در پاره دو نفر تبادل افکار بکنند و آن وقت زد و خورد است در میانه صد هزار نفر در حوزه جمع میشوند و رأی میدهند برای یک نفر از این تمام حوزه ها يك دوهزار نفری رأی میدهند و جمع می شوند اینجا آن وقت از طرف اکثریت ملت مجلس بیاید اهالی شهرستان و وکیل وکیل هزار نفری است به این وسائل بردن انتخابات را یعنی حق دادن بيك دسته پارتي در شهرها از برای آنکه استفاده کنند از تمام اطراف و آن و کلا را بفرستند و گمان می کنم که از این واضعتر نتوان مطلب را تشریح کرد و بنده تصور میکنم که ما نباید بطرف قهقراه برویم و مردم را هم از وکلی که باید حفظ حقوقشان را بکنند معروم بکنیم استن را بگذاریم سهولت انتخابات من نمیدانم که این چه سهولتی است ماحق انتخاب بدیم انجن نظارت هم بایشان بدیم و آن وقت عرض میکنم بگوئیم ده نفر بنویسند این خیلی مشکل است که او برود ده نفر را بنویسد آن وقت هم میگوئیم سهولت اینکه باید رأی بدیم و انتخاب هم بکنند چاره اش نفر بنویسد بکنند بنویسد و شرکت باشی هم نکند بنده در شهر هم مخالف هستم و باید در شهر هم حوزه های کوچک کوچک برپا شود امروز وسائل فراهم تر است و در شهر ها که نزدیکتر بهم است اینرا میگویم عیب ندارد که بعد که یک نفری نزدیکتر شویم و جلوتر برویم که هم کامل تر بشود و هم زودتر بشود که این کار را بکنیم اما آن دو درجه که ما از او متنفر و این کار را بودیم و يك دو درجه درست بکنیم که جامع باشد از دهاتی ها و پارتي از جاهای دیگر و من بکلی مخالفم باین ترتیب که اینجا نوشته است.

معزز الملک - بنده تصور میکنم که این ترسها بیکه از معرومیت داریم و مترسیم که رو به قهقراه برویم و حقوق يك عده دهاتی یا پامل شود ترس از این معرومیت باعث چیزهای دیگری و کار-

های بزرگتری بشود اگر ما بعملیات اینکار حقیقه يك قنری نظر کنیم و عملی بشویم که ببینیم آیا معرومیتی در بین هست یا نه و اما اگر انتخابات جمعی باشد باز معرومیت هست یا نه ؟ و آیا بر فرض که معرومیت باشد این مسئله بهتر است یا اصلاح در آنست که آن معرومیت از میان برود اینجا سه مسئله است که باید در همت مذاقه بیاید اولاً همانطور که آقای دکتر خودشان فرمودند این معرومیت برخلاف معرومیتی است که در جلسه گذشته گفته شد و هیچکس معرومیت ندارد هر کس دلش بخواهد و دارای آن شرایط انتخاب کننده باشد و باید رأی بدیم همانطور که آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند و بنده تصدیق میکنم و میگویم این معرومیت از داشتن نماینده است بنده عرض میکنم که این يك بدبختی است که چاره پذیر نیست يك بدبختی است که فرق نمیکند این انتخاب يك چیزی است که بازمه با همان يك حوزه های انتخابیه صد هزار نفری بازمه آن صورت معرومیت باقی خواهد بود در شور اول وقتیکه مطابق مقدمه آقایان حوزه های جدا جدا نوشته بودند از صدی هشتاد حوزه انتخابیه بود و چندین نقاط مختلفه بیده بود که میبایست جمع شوند و انتخاب کنند پس همان معرومیت در همان جاهم منظور بود و در اینجا هم هست وقتیکه انتخاب سمنان و دامغان را حوزه میکنند و از این دو جا میخواهند يك نفر وکیل انتخاب کنند با آنکه مسافت ما بین سمنان و دامغان ده فرسخ است بجهت ترتیب اهالی آن دو نقطه و یا سایر بلوکات را در این دو نقطه جمع میکنند و بجهت ترتیب آن بلوکات و آن رعایا را نمی خواهند معروم بکنند و اکثریت شهرها را بطور جلو گیری می نمایند و این را بنده خیلی مایل بودم که بگویند بن که انتخاب جمعی را بر انتخاب فردی ترجیح میدهند و از انتخاب جمعی ممکن است ممانعت بکنیم بله اگر ما بيك مملکتی می داشتیم که ده فرسخ در ده فرسخ عرض و طول میداشت و بيك مملکت بجمعیتی می داشتیم آن وقت ممکن بود که این مملکت را بقطعات کوچک کوچک قسمت کنیم که دیگر حوزه های انتخابیه صلا می توانستند که آن گسائیکه حق انتخاب داشتند بیایند در آن حوزه های کوچک رأی خودشان را بدهند و انتخابات خودشان را بعمل بیاورند در آن صورت بنده هم موافق بودم که انتخاب باید فردی باشد ولی فرق دارد قانون نوشتن برای بيك مملکتی که باید زندگی بکنند تا قانون نوشتن از روی کتاب هر قانونی فقط وقتی خوبست که مطابق زندگانی آن اهالی باشد ولی اگر خارج از این باشد و از روی کتاب قانون نوشته شده باشد به موقع عمل وقتی که بخواهند بگذارند مشکلاتی پیدا خواهد شد که لابد بشوند بگویند که این قانون هیچ بکار نمیخورد و لابد این انتخاب جمعی يك محسناتی دارد که هیچ نمیشود او را انکار کرد اگر ما می دانستیم که تمام مملکت ایران را تقسیم می کردیم بعوزه های کوچک و آن وقت یقیناً می دانستیم که تمام آن حوزه های انتخابیه مثل هم و مساوی انتخاب خودشان را بجای آوردند و نمایندگان خودشان را انتخاب میکردند آن وقت هیچکس طرفدار انتخاب جمعی نبود ولی قطع نظر از سایر جاهای وقتیکه

مأمی بینیم از صد و بیست نفر نمایندگان هنوز يك خمس آنها حاضر نشده است آنوقت ما دیگر نمیتوانیم بگوئیم خود تجربه مباحث و اجازه نمیدهد که بگوئیم تمام حوزه های انتخابیه بآن سرعت سیرشان در انتخابات مثل هم خواهد بود مثل هم انتخاب میکنند تجربه بما اجازه نمیدهد که ما این را بگوئیم پس مجبوریم بگوئیم که بعضی جاها که انتخابات در مراکز عده هست و بيك شهرهای عده هست زودتر میتوانند انتخابات خودشان را بعمل بیاورند و الا اگر غیر از این شد و در حوزه های کوچک کوچک بخواهند انتخابات را بعمل بیاورند در انتخاب مسامحه خواهند کرد و انتخاب نخواهند کرد این است که برای رفع وجوب گیری این عیب که این خیلی عیب بزرگی است کمیسیون انتخابات صلاح دید که مردم معین نباشند که حتماً هر صد هزار نفری را بیک نفر بدهند که هر حوزه انتخابیه انتخاب خودشان را تعیین بکنند سایر نقاط انتخابات خودشان را بعمل بیاورند. افلا آن حوزه های نزدیک آن انتخابات خودشان را زودتر بعمل خواهند آورد حالا امر دائر شده است بین اینکه آنها انتخابات خودشان را بعمل بیاورند یا باورند از طرف دیگر در یکی از مواد قید شده است انجن نظر کدر یکی از نقاط معینه معنونه شعب انجن نظارت را معین کند اگر حقیقه يك نقاط است که حتی الامکان مقیده هستند که حق انتخابات خودشان را دست ندهند نه در مرکز انتخابیه و در قانون انتخابات چیزی نیست که از آنها جلو گیری بکنند و بگذارند بآنها رأی خودشان را اظهار بکنند ولی اگر مایل نباشند و نخواهند استفاده کنند از آن حتی که مقین بآنها میدهند آنوقت دیگر ما نمیتوانیم که آنها را و سایرین را وادار کنیم که بتوانند از آن حق که داده شده است برای آن حوزه انتخابیه استفاده کنند و زودتر نماینده خود را معین کنند و چنانکه در جلسه گذشته عرض کردم دوباره عرض میکنم که قانون انتخابیه و غیر از آن تمام اینها فرزند برای بيك اصلی مقصوداً انتخاب فرغ است برای بيك اصلی آن داشتن نماینده است برای مجلس شورای ملی در ایران داشتن نماینده باین است که هر چه سهلتر و زودتر میشود مجلس را دائر کرد هر قانونی که اسباب تأخیر انتخاب و کلا را فراهم میکند و لو اینکه از روی کتاب هم صورتاً خیلی خوب باشد این از همان جهت خیلی بد خواهد بود برای مملکت پس باین ملاحظاتی که عرض کردم و جلسه گذشته هم عرض کردم بنده هیچ معرومیتی در بین نمی بینم و هیچ یا پامل شدن حقوق ملی را تصور نمیکنم چیزیکه هست نمایندگان زودتر حاضر خواهند شد و نمایندگان که برای مجلس شورای ملی لازم است زودتر انتخاب خواهند شد و زودتر مجلس افتتاح خواهد شد.

محمد هاشم میرزا - مسئله حوزه های جزو که باید از انجن نظارت مرکزی شبهه در آنها باشد و تعیینش با مجلس باشد بنده در کمیسیون پیشنهاد کردم و از مجلس نگذشت بعد که بکمیسیون برگشت هیئت دولت بعد از آنکه اصراری داشتند که با برسر اکر انتخابات در شهرها باشد چون مجلس رأی داده

مردان آن نبال گذشت باینجه رأی دادند در شهرها باشد مسئله حوزه های جزء که تغییر با انجمن مرکز باشد که باید در هر نقطه که از انتخاب دارند در هر حوزه صلاح بدانند باید حوزه مرکزی شعبه در آنجا داشته باشد پذیرفتند بدمه که این ماده پیشنهاد شد و از مجلس گذشت و جریان اسباب این شد که با مجلس باشد حالا بنده عرض میکنم که باید قید شود نقاط مهمه و الا آن چیزی که آقای بهجت فرمودند خواهد شد بنده مخالفم و استدعا دارم که مسئله نقاط مهمه منضم بان داده شود.

رئیس - رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا خیر آقایانکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده کمی قیام نمودند).

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست **آقای میرزا رضی قلیخان** - بنده میخواهم رفع تمام این اشکالات را با این مقدمه بکنم ما وقتیکه یک مشکلات جزئی تصادف میکنیم آن امورات کلی را بکلی از نظر انداخته و خودمان را از اساس مشروطیت و سلطنت ملی محروم میکنیم باید فهمید سلطنت ملی چه چیز است سلطنت ملی این است که هر یک از افراد ملت حق دارد که در جزئیات امور مملکت نظر داشته باشد اینست خلاصه مملول سلطنت ملی و چون ممکن نیست تمام افراد ملت باجمعهم حاضر شوند و مداخله در امور نموده و حکومت بکنند از اینجهت هیئت مجلس را برقرار کردند و گفتند هر عده یک نفر وکیل انتخاب کنند حالا نسبت به جمعیت کم باشد یا زیاد صد هزار نفر یکی یا پنجاه هزار نفر یک نفر این فرق نمیکند همین قدر یک عده که حاضر شدند رأیشان را در حق یک نفر می دهند که او بنشیند و تقنین قوانین بنماید آنوقت که در خصوص انتخاب یکدرجه و دودرجه مذاکره میشد آن اندازه جدیت شد که دودرجه را رد کردند و یک درجه را قبول کردند حالا می بینیم که همان ترتیب دو درجه یک لباس خیلی بدتری که حرمانش زیاد تر است به مجلس با نواخته خیلی میل داریم که این مسئله را بمجلس عرض کنم و نگران بودم که مبادا نمایندگان محترم در کافی بودن مذاکرات رأی بدهند و این عرضی که مجبوراً باید بکنم بماند و در صورتی هم که این عرایض بنده قبول نشود باز ناچار از اظهار آن هستم که تکلیف و جانی خود را ادا کرده باشیم این مسئله را نباید فراموش کرد که ما باید همیشه قانونیکه وضع میکنیم باید ملاحظه بکنیم که آن قانون صحیح و جزئیاتش و اجرائش هم بطور صحیح و ممکن باشد حالا اگر بعضی خودشان را وادار بکنند بسوء استفاده در حق خودشان هیچ اعتراضی بقتن وارد نیاید و اینکه فرمودند هنوز وکلای بعضی نقاط نمانده اند و مثلاً در آن دوره و این دوره حالیه بنا بر فراس هیچ وکیل معین نکرده این دلیل نمیشود که ما بگوئیم بهترین است و سرعت جریان مقضی اینست که ماحق وکیل را از بنادر فارس سلب نموده و فراس نمایم چون از شیراز وکیل آمد و از بناد نیامد اگر بنادر فارس ده دوره هم وکیل نترسند نمایان باید با آنها حق وکیل بدهیم و همینطور فرض کنید قراء دعوات و قسبات

را اگر یکی از دعوات و قراء قسبات با تمام آن ها اقدام نکرده باز باید بدمه نفوس آنها نماینده داد تمام افراد ملت مثل ما حق دارند در امور مملکت شرکت کنند چطور شده که ما حق داریم این جا بنشینیم رأی بدهیم ولی آنها حق ندارند که بایند در امور این مملکت شرکت کنند البته باید همه ملت امثال یکدیگر بکنیم مگر آنها را که قانون خارج کرده است خود آنها هم موافق هستند و حرفی نخواهند داشت مثل سوا و غیره بنده در این نظر بکلی مخالف هستم که بخواهیم یک جمعیتی را در یک شهری حق بدهیم و از شهر انتخاب کنیم مثلاً بگوئیم شهر طهران ده نفر وکیل انتخاب کنند و اگر ده نفره بلوک و حوزه انتخابیه هم داشته باشد آنها را هم جزء شهر معین کنیم و بگوئیم همه باید این ده نفر را انتخاب کنند مسلم است که در شهری مثل طهران که دارای سیصد هزار جمعیت و انعامان حاضر است و ملتفت نکات سلطنت ملی هستند یقیناً از سیصد هزار چهارصد هزار جمعیت ده هزار نفر حتماً رأی خواهند داد فرضاً چهار پنجاه هزارم برخلاف رأی داشته باشند یقیناً پنج شش هزار رأی در حق اشخاص معین خواهند داد پس حضرت عبدالمعظم هر یک از افراد ملت حق دارد که در جزئیات امور مملکت نظر داشته باشد اینست خلاصه مملول سلطنت ملی و چون ممکن نیست تمام افراد ملت باجمعهم حاضر شوند و مداخله در امور نموده و حکومت بکنند از اینجهت هیئت مجلس را برقرار کردند و گفتند هر عده یک نفر وکیل انتخاب کنند حالا نسبت به جمعیت کم باشد یا زیاد صد هزار نفر یکی یا پنجاه هزار نفر یک نفر این فرق نمیکند همین قدر یک عده که حاضر شدند رأیشان را در حق یک نفر می دهند که او بنشیند و تقنین قوانین بنماید آنوقت که در خصوص انتخاب یکدرجه و دودرجه مذاکره میشد آن اندازه جدیت شد که دودرجه را رد کردند و یک درجه را قبول کردند حالا می بینیم که همان ترتیب دو درجه یک لباس خیلی بدتری که حرمانش زیاد تر است به مجلس با نواخته خیلی میل داریم که این مسئله را بمجلس عرض کنم و نگران بودم که مبادا نمایندگان محترم در کافی بودن مذاکرات رأی بدهند و این عرضی که مجبوراً باید بکنم بماند و در صورتی هم که این عرایض بنده قبول نشود باز ناچار از اظهار آن هستم که تکلیف و جانی خود را ادا کرده باشیم این مسئله را نباید فراموش کرد که ما باید همیشه قانونیکه وضع میکنیم باید ملاحظه بکنیم که آن قانون صحیح و جزئیاتش و اجرائش هم بطور صحیح و ممکن باشد حالا اگر بعضی خودشان را وادار بکنند بسوء استفاده در حق خودشان هیچ اعتراضی بقتن وارد نیاید و اینکه فرمودند هنوز وکلای بعضی نقاط نمانده اند و مثلاً در آن دوره و این دوره حالیه بنا بر فراس هیچ وکیل معین نکرده این دلیل نمیشود که ما بگوئیم بهترین است و سرعت جریان مقضی اینست که ماحق وکیل را از بنادر فارس سلب نموده و فراس نمایم چون از شیراز وکیل آمد و از بناد نیامد اگر بنادر فارس ده دوره هم وکیل نترسند نمایان باید با آنها حق وکیل بدهیم و همینطور فرض کنید قراء دعوات و قسبات

ذکاء الملک - بنده دیگر عرض نمیکنم چون مطالب از طرفین تکرار میشود ولی میخواهم یک عرضی بکنم و آن اینست که سابقاً انتخاب جسمی و فردی بیان نمانده بود و هیچیک از آقایان مخالفت از انتخاب جسمی نکرده بود در صورتی که در نظامنامه سابق و حالیه در خیلی جاها انتخابات جسمی بوده است و حالا هم اساساً مخالف انتخاب جسمی نیستند چیزی که هست اتفاقاً این حوزه را که نظر کرده اند حوزه تبریز است که جمعی خواهد بود حق انتخاب ۹ نفر تبریز داده اند این است که این قدر اصرار می کنند که سلطنت ملی از میان می رود خوب است اینرا بخاطر یاورید که در این جدول هفتاد حوزه انتخابیه است و تمام اینها یک نفر و ۲ نفر و ۳ نفر است فقط سه چهار حوزه انتخابیه است که عده اش یکصدتوری زیادت است و انتخاب جمعی است و ممکن است که در ضمن شورا اصلاح بکنند دیگر اینقدر مبالغه نکنند که سلطنت ملی از میان می رود و حال آن که اگر ملاحظه کنند اغلب جاها حوزه های یک نفری و دو نفری است و ۳ نفری سه حوزه داریم که از ۴ نفر زیادت است و اینهمه این قدر مبالغه لازم ندارد **نواع الدوله** - نظر بان قانونیکه از مجلس گذشت که انتخاب یکدرجه باشد و مستقیم بپسین حالا بان اندازه و رأی قراء میرویم که حساب ندارد حکومت حکومت ملی است ولی ما میآئیم حقوق را تمام بشهریها میدیم و آن اشخاصیکه حکومت ملی را نمایندند در بوته اجمال میانند و سال های سال نیغمنند که معنی سلطنت ملی چیست آخر این دهاتیها هم باید ترقی بکنند و این مردم بلوکات هم بحق خودشان برسند همینکه آقای آقا میرزا رضی قلیخان فرمودند بنده یکصدتوری را چون فرمودند دیگر عرض نمیکنم همینقدر عرض میکنم که اگر برای آسانی است که حقوق را بشهرها بدهیم شهرها را هم منحصر بظهران بکنیم در تهران هم لازم نیست صدویست نفر باشد خودمان هستیم کافی است انفعال هم نمیشود معطلی هم ندارد ولی ما میخواهیم حقوق مردم را بآنها بدهیم و آنها را ترقی بدهیم یکی باشد یعنی روز بعد بهتر نباشد ولی ما میبینیم که دوسال است حال ما همان است و روز بروزمان بدتر است و هیچ بیشتر نرفته ایم میآئیم انجمن نظارت درست میکنیم بنده نمیخواهم تنقید بکنم ولی عرض میکنم که نظامنامه انتخابات این قدر وسعت ندارد و حقوق مردم را رعایت نکرده است بلای میآئیم میگوئیم که حقوق رعیت و ملت محفوظ باشد از آن طرف ۳ هزار نفر ۴ هزار نفر ۵ هزار نفر میمانند آنها را از حقوق خودشان محروم میکنیم اگر اینها را جمع بکنیم صد هزار نفر میشوند که با هم رأی بدهند و حق یک وکیل داشته باشند مذاکرات آنها را میانند کمترین میگوئیم که حکماً از فلان جا بیایند بمرآن رأی بدهند آخر نمایانند و نمیتوانند باین مسافت بیایند این دلیل است که حکماً باید انتخابات جمعی بشود میگویند تا بحال نمایندگان ولایات نمانده اند و در شورا اول عرض کردم که بواسطه دو درجه بودن بود که حاضر نشدند شما یکدرجه قرار بدهید و حقوق آنها را معین بکنید

شرط باشد در يك ده انتخاب کند و حاضر شوند دیگر این که میگویند ما بعهه حق داده ایم که یک عرضی بکنم و آن اینست که سابقاً انتخاب جسمی و فردی بیان نمانده بود و هیچیک از آقایان مخالفت از انتخاب جسمی نکرده بود در صورتی که در نظامنامه سابق و حالیه در خیلی جاها انتخابات جسمی بوده است و حالا هم اساساً مخالف انتخاب جسمی نیستند چیزی که هست اتفاقاً این حوزه را که نظر کرده اند حوزه تبریز است که جمعی خواهد بود حق انتخاب ۹ نفر تبریز داده اند این است که این قدر اصرار می کنند که سلطنت ملی از میان می رود خوب است اینرا بخاطر یاورید که در این جدول هفتاد حوزه انتخابیه است و تمام اینها یک نفر و ۲ نفر و ۳ نفر است فقط سه چهار حوزه انتخابیه است که عده اش یکصدتوری زیادت است و انتخاب جمعی است و ممکن است که در ضمن شورا اصلاح بکنند دیگر اینقدر مبالغه نکنند که سلطنت ملی از میان می رود و حال آن که اگر ملاحظه کنند اغلب جاها حوزه های یک نفری و دو نفری است و ۳ نفری سه حوزه داریم که از ۴ نفر زیادت است و اینهمه این قدر مبالغه لازم ندارد **نواع الدوله** - نظر بان قانونیکه از مجلس گذشت که انتخاب یکدرجه باشد و مستقیم بپسین حالا بان اندازه و رأی قراء میرویم که حساب ندارد حکومت حکومت ملی است ولی ما میآئیم حقوق را تمام بشهریها میدیم و آن اشخاصیکه حکومت ملی را نمایندند در بوته اجمال میانند و سال های سال نیغمنند که معنی سلطنت ملی چیست آخر این دهاتیها هم باید ترقی بکنند و این مردم بلوکات هم بحق خودشان برسند همینکه آقای آقا میرزا رضی قلیخان فرمودند بنده یکصدتوری را چون فرمودند دیگر عرض نمیکنم همینقدر عرض میکنم که اگر برای آسانی است که حقوق را بشهرها بدهیم شهرها را هم منحصر بظهران بکنیم در تهران هم لازم نیست صدویست نفر باشد خودمان هستیم کافی است انفعال هم نمیشود معطلی هم ندارد ولی ما میخواهیم حقوق مردم را بآنها بدهیم و آنها را ترقی بدهیم یکی باشد یعنی روز بعد بهتر نباشد ولی ما میبینیم که دوسال است حال ما همان است و روز بروزمان بدتر است و هیچ بیشتر نرفته ایم میآئیم انجمن نظارت درست میکنیم بنده نمیخواهم تنقید بکنم ولی عرض میکنم که نظامنامه انتخابات این قدر وسعت ندارد و حقوق مردم را رعایت نکرده است بلای میآئیم میگوئیم که حقوق رعیت و ملت محفوظ باشد از آن طرف ۳ هزار نفر ۴ هزار نفر ۵ هزار نفر میمانند آنها را از حقوق خودشان محروم میکنیم اگر اینها را جمع بکنیم صد هزار نفر میشوند که با هم رأی بدهند و حق یک وکیل داشته باشند مذاکرات آنها را میانند کمترین میگوئیم که حکماً از فلان جا بیایند بمرآن رأی بدهند آخر نمایانند و نمیتوانند باین مسافت بیایند این دلیل است که حکماً باید انتخابات جمعی بشود میگویند تا بحال نمایندگان ولایات نمانده اند و در شورا اول عرض کردم که بواسطه دو درجه بودن بود که حاضر نشدند شما یکدرجه قرار بدهید و حقوق آنها را معین بکنید

رئیس - حالا آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است)

پیشنهادی از طرف آقای نیرالسلطان عبارات ذیل قرائت گردید (نظر باختلافاتی که برای تشکیل انجمنهای نظار جزء در بلوکات تولید خواهد شد این بنده پیشنهاد میکنم معن های انجمن نظار جزء را تعیین نموده رفع اشکال در بلوکات شود اسباب تسهیل انتخابات خواهد شد -

ذکاء الملک مخبر - سابق انجمنهای جزء معین شده بود و در شورا اول در مجلس پیشنهاد شد که این ترتیب را بهم بزنند و قابل توجه شد این بود که کمسیون آن ترتیب را بهم زد و این ترتیب پیشنهاد کرد

رئیس - اگر توضیحی در باب پیشنهاد خودتان دارید بیان فرمائید -

نیرالسلطان - اختیار انجمن نظار جزء را بانجمن مرکزی واگذار کرده اند بنده ملاحظه میکنم که این اسباب اختلاف در بلوکات خواهد شد برای این که هر يك تقاضا میکنند که انجمن جزء داشته باشند این است که بنده پیشنهاد کردم که آن نقاط را معین کنند که اسباب تسهیل انتخابات خواهد شد بنده گمان میکنم که اگر اینطور رأی بدهند اسباب تسهیل انتخابات و رفع اشکال خواهد شد -

رئیس - یکمرتبه دیگر قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم که داخل در جزئیات بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد (حوزه انتخابیه تبریز و توابع عبارت از قرائت شد) تبریز اوچان عباس - مهران رود دره خواران - گوگان - عجبشیر ارواق - انزاب - آلا ن بر آغوش هشتاد و ۹ نفر

رئیس - مخالفی هست؟ **حاجد کتور رضاخان** - بله این تقریباً همان خواهد شد که انتخاب شهری در میان خواهد آمد بنده باین مسئله که تبریز و این بلوکات نفر باشد و مرکز انتخابیه هم شهر تبریز باشد مخالفم بان دلایلی که عرض کردم حالا فقط از مخبر محترم سؤال میکنم که هشتاد و ۹ نفر در میانند نیست که خودش یک نفر وکیل

داشته باشد و باید شرکت باتبریز بکنند بنده گمان میکنم که خود هشتاد و ۹ نفر وکیل دارد و اینطوریکه کمترین شده است هیچ نمیتواند وکیل بدهد و بیایند با انتخابات تبریز شرکت کنند بنده باین ترتیب مخالفم زیرا از حق وکیل دادن محروم خواهند بود.

حاجعز الممالک - بنده با این ترتیبی که اینجا هست موافقم و در کلیات هم میخواستیم موافقت خودم را عرض کنم نشد حالا هم دیگر حاجت نیست و مذاکرات بقدر کمات شده که آیا این چند نقطه را که انتخاب جمعی داده اند آیا صلاح هست یا خیر حالا هشتاد و ۹ نفر وکیل دارد و این بلوکات را بنده پیشنهاد میکنم که این قانون انتخابات بگذرد بنده میفرماید از این باشد که انجمن جزء هم باشد مخالف هستم .

حاج شیخ اسدالله - بنده بر عکس مخالف بودم و در کلیات عرض نکردم ولی حالا مخالفت خودم را عرض میکنم اینجا آمده اند بعضی از بلوکات راضیه شهر تبریز کرده اند و در کلیات خیلی در این باب مذاکره شده معنی اینست که بیشتر اهالی این مملکت اهالی قراء و قسبات و بلوکات میباشد و قتیکه درست دقت بکنیم قراء و نجیرها اغلب رایا هستند و باین ترتیب کما میخواستیم قانون انتخابات را از مجلس بگذرانیم تصویب حقوق قراء خواهد شد بجهت اینکه اهالی شهر جمعیشان بیشتر است و در تحت یک ترتیبی رأی میدهند و در موقع رأی دادن اهالی آن بلوکات که ضمیمه هر شهری شده است بکلی محروم میمانند و این مسئله باید بهمان ترتیبی که در اینجا مذاکره شد معنی را بان اندازه خودش وکیل بپوشد و قتی که کاز شهرها خارج شدیم داخل در بلوکات و قسبات کشیدیم وکیل از روی حوزه مجوز بکنند و در انتخابات چیزی که کرده اند تفکیک کرده اند در میان بعضی از ولایات مثلاً آذربایجان را انتخاب جمعی قرار نداده اند چون در خارج از این ماده است عرض نمیکنم بنده عرض میکنم که شهر تبریز را بسجند که بقدر جمعیت دارد بهمان اندازه باو وکیل بدهند مابقی را در سایر بلوکات حوزه های علیحده برای آنها معین بکنند که آنها وکیل خودشان را انتخاب بکنند .

رئیس - مذاکرات در این باب در جلسه قبل خیلی شده است حالا گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) مرکز انتخابات ۰۰۰ تبریز .

رئیس - مخالفی نیست در مرکز انتخابات (مخالفی نبود)

(حوزه انتخابیه اردبیل عبارت از قرائت شد) اردبیل - مشکین - آستارا - نغین - ولکچ آجارود - خلخال - دونفر

رئیس - مخالفی هست؟

مختصر السلطان - در جلسه گذشته پیشنهادی در این خصوص بهیئت رئیسه تقدیم کردم بر اینکه دو نفر وکیل برای اردبیل و خلخال و غیره خیلی کم است و دلایلی هم که بایستی حالیه عرض کنم این است خلخال که یکرا از آن مملاتی است که حالیه متصل شده است باردبیل خودش سیصد و شصت آبادی دارد که بعضی آبادیهای او چهار پنج هزار جمعیت دارد و خود خلخال حق دارد که یک نفر وکیل انتخاب کند و بنده خیلی متأسفم که برای یکجائی مثل خلخال و کصد و پنجاه آبادی دارد و آن همه جمعیت که دارد

رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) حوزه دیگر عبارت از قرائت شد) ساوجبلاغ مکری - سلدوز ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) مرکز انتخابیه ساوجبلاغ .

و بهین قسم معین که قصبه است ۱۶ هزار بلکه ۲۰ هزار جمعیت دارد و یک شهری است بان اندازه شهر قم و مشکین هم تقریباً سیصد بارچه آبادی دارد و محل حکومت نشینی ۱۴ هزار جمعیت دارد که سرشار شده و خود شهر اردبیل را هم میدانند که شهری است بزرگ و تقریباً شهر های دوپوم و سیم بزرگتر است و چهل و پنجاه هزار جمعیت دارد غیر از آن دهات و قسباتی که در اطراف او و جزء حکومت آنجا است که بقدر جمعیت دارد و آستارا خود بنده دیده ام بنوری است که دارای بیست و پنج آبادی است که هر آبادی او دوست سیصد نفر نفوس دارد که خود بنده کاملاً آنجا را دیده ام و این هفتاد و ۹ نفر وکیل داده اند و حقیقه خیلی ظلم شده است در حق مردمان این محال که متجاوز از سیصد و پنجاه هزار تقریباً چهار صد هزار جمعیت دارد و بنده پیشنهاد کرده ام و استدعا نمودم که یک نفر برای دو نفر افزوده شود که سه نفر نماینده باین چند محل بدهند .

حاج شیخ اسدالله - این فرمایش را که میفرمایند بعد از آنی که برای آذربایجان کلیه ۱۹ نفر معین کردند دیگر تقسیمی بهتر از این نمیشود قرار داد او اگر بخواهیم داخل در عده آنها بشویم و از آن حوزه بنده بیائی کشته است بخواهیم کم و زیاد بکنیم در تمام نقرات آنها همین فرمایشات و ایرادات خواهد شد اگر میفرمایند که دو نفر برای اردبیل و غیره کم است تمام نقاط آذربایجان تقسیم بکنند و پیشنهادی که میکنند در تمام آذربایجان این پیشنهاد را بکنند و اگر میفرمایند که از ۱۹ نفر بیشتر باشد عده وکلای آذربایجان عقیده بنده اینست که از ۱۹ نفر بیشتر نمیتوان نماینده آذربایجان داد و آنهم که گذشته است .

رئیس - راجع باردبیل و غیره گویا مذاکرات کافی باشد گفتند کافی است حوزه دیگر عبارت از قرائت شد) قراجه داغ - ایلات - جانپورد - بدوستین - نفر .

رئیس - مخالفی هست مخالفی نبود مرکز انتخابیه اهر - (مخالفی نبود حوزه دیگر عبارت از قرائت شد) سرآب - گرم رود ۱ نفر .

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) مرکز انتخابیه سراب .

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود حوزه دیگر قرائت شد) مراغه - میناب - چهار اورمق - ایلات - میاندواب - افشار - چهار دولی - صابین قلعه - ۲ نفر .

رئیس - مخالفی هست در این حوزه (مخالفی نبود) مرکز انتخابیه مراغه .

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) حوزه دیگر عبارت از قرائت شد) ساوجبلاغ مکری - سلدوز ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) مرکز انتخابیه ساوجبلاغ .

رئیس - مخالفی هست - (مخالفی نبود) حوزه دیگر عبارت از قرائت شد ارومسی و توابع - ۱ نفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه ارومیه .

رئیس - مخالفی نیست - (گفتند غیر حوزه دیگر قرائت شد)

خوی - ماکو - سلماس - مرند - گرگر - یکانان ۲ نفر .

رئیس - مخالفی هست - (مخالفی نبود) مرکز انتخابیه خوی .

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) پیشنهادی شده است قرائت میشود .

(پیشنهاد میرزا مرتضی قلیخان بسمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نه نفر نماینده تبریز و فیره را باید چهار نفر به تبریز و پنج نفر بحال معقه آن تقسیم شود .

(ایضا از طرف آقا میرزا مرتضی قلیخان بسمارت ذیل قرائت شد .)

بنده پیشنهاد مینمایم که اردبیل و مشکین و آستارا و توابع یک نفر خلخال و اجارود و توابع یک نفر نماینده بدهد . (پیشنهاد حاجی سید ابراهیم بسمارت ذیل قرائت شد .)

بنده پیشنهاد میکنم که الان بر آغوش و هشتتروند از تبریز مجزی و یک نفر وکیل بآنها داده و مرکز حوزه در هشتتروند قرار داده شود .

(از طرف آقای منتصر السلطان بسمارت ذیل قرائت شد .)

این بنده پیشنهاد میکنم یک نفر نماینده بر اردبیل و مشکین و خلخال و اجارود و لکج و آستارا اضافه شود .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان توضیح دارید بفرمائید .

آقا میرزا مرتضی قلیخان - چون آقای مخبر فرمودند در چند محل زیاد نیست که انتخاب جمعی شده است باین ملاحظه بنده قبول کردم که در جاهاییکه از صد هزار نفر کمتر است اورا جزو کنند و برای جاهاییکه صد هزار نفر زیادت دارد و بعضی جاهای دیگر باو ملحق نموده اند بنده برای آنها پیشنهاد کردم و استدعا میکنم که مجلس شورایی رأی بدهد یا اینکه هر محلی باندا از خودش نماینده بدهد مگر آنجاییکه از صد هزار نفوس کمتر دارد که باید از جای دیگر بآنها ملحق گردد و این را هم عرض کنم که آنها را هم نباید محروم کرد باید در آنها هم انجمن نظارت جزء معین شود سکه انتخاب کنند .

رئیس - چه بفرمائید در این پیشنهاد .

مخبر - مخالف با رأی کمیسیون است

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای آقا میرزا مرتضی قلیخان آقایی که قابل توجه می دانند این پیشنهاد را قیام نمایند (مدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم قرائت میشود . (مجدداً پیشنهاد مزبور قرائت شد)

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم توضیحی دارید بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - معلوم است که این انتخاب جمعی فقط برای ترتیب انتخاب بود و هیچ دلیل دیگری نداشته و ندارد حالا که نظر مجلس اینطور است که انتخاب جمعی را صحیح میدانند پیشنهاد خود را استرداد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای منتصر السلطان تائیداً قرائت میشود .

(پیشنهاد مزبور مجدداً قرائت شد .)

رئیس - آقای منتصر السلطان توضیحی دارید بفرمائید .

منتصر السلطان - بله بنده که پیشنهاد کردم یک نفر اضافه بدهند هلتش این است که اینجا چند محل است که ذکر شده شرحی هم بکمیسیون عرض کرده ام که خلخال یکی از محل هائی است که در اینجا ذکر شده است ابتدای خاکش تا اردبیل سی فرسخ است و انتهای خاکش تا شهر اردبیل شش فرسخ است و محل حکومتش تا شهر اردبیل ۱۲ فرسخ است جای باین بزرگرا که جمعیت و خاکش باین زیاد است محصور میتوانیم از نظر معو کنیم و نمایان کمیسیون از چه نظر جزو اردبیل کرده اند حالا که ضمیمه کرده اند بنده عرضی ندارم ولی یک نفر باید بخود خلخال داده شود چنانچه اجارود اینطرف خاک اردبیل است طرف سرحد قیامین خاک ایران و روس واقعت و یکمصد و پنجاه فریه دارد و ۲۰ فرسخ است تا شهر اردبیل و تا انتهای خاک خلخال اگر چنانچه خواست باشند ضمیمه کنند پنجاه فرسخ است امکان ندارد این همه نفوس و این همه جمعیت و این همه خاک که متجاوز از ۵۰ فرسخ است که اگر نگاه بکنیم نقشه طول اورا ملاحظه بکنیم قریب پنجاه فرسخ طول آنها میشود عرضش هم خیلی است اینست که بنده نسبت بوسمت خاکش پیشنهاد کردم که سه نفر نماینده بدهند مطابق این وسعت خاک نفوس هم از سصد هزار بیشتر است ولی بطور تخمین سه نفر نماینده حق دارد در صورتی که اگر اعراف فرض نفر نماینده آنجا چهار نماینده است .

رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟

ذکاءالملک - خیر کمیسیون قبول ندارد .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای منتصر السلطان آقاییکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی است از آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت میشود (بسمارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اردبیل و مشکین و آستارا و توابع یک نفر و خلخال و اجارود و توابع را یک نفر نماینده بدهند .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان در پیشنهاد خودتان که راجع است ب اردبیل توضیحی دارید که این محل هائی که ذکر شده است باید تجزیه شود و از روی میزان هر صد هزار نفر یک نفر وکیل معین میکنند اگر ممکن است کمیسیون تجزیه اش را قبول کند تقاضا میکنم که این دو محل را تجزیه نمایند و هر کدام یک نماینده انتخاب نمایند .

رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟

ذکاءالملک - خیر .

رئیس - یکمرتبه دیگر قرائت میشود (مجدداً خوانده شد) - رأی میگیریم آقاییکه تصویب میکنند اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان را قیام نمایند (مدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهادی از طرف حاج میرزا رضاخان شده است قرائت میشود (بسمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که برای بلوکات سردشت لاهیجان اشنویه که از نقاط مهمه سرحد آذربایجان است و در جدول حوزه بندیها که از قلم افتاده یک نفر معین شده رأی گرفته شود .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

حاج میرزا رضاخان - اگر چه باین دارم این پیشنهاد هم مانند سایر پیشنهادها از قبیل مسئله هشتتروند و غیره قابل توجه نخواهد شد ولی بعضی اینکه موکلین بنده تصور نفرمایند که از ذکر بعضی نکات و دقائق در موقعش غفلت شده است این پیشنهاد را لازم دیدم که تقدیم مجلس نمایم چنانکه مکرراً در ضمن مذاکرات انتخابات چند روز قبل عرض کردم حالا نیز یاد آور میشوم که اولاً نمایان چطور شده چند بلوک خیلی معتبر و مهم که از نقاط سرحدیه آذربایجان واقع و متصل بکردستان است اسامی آنها در صورت جدول انتخابات از قلم افتاده است که لابد موقع انتخابات اهالی آنها محروم خواهند شد از جمله لاهیجان سردشت و اشنویه است که هیچ اسمی در این جدول ذکر نشده است و تائیداً در این قطعات و بلوکات و سیمه چندین ایلات رشید فرا بایان و کریش و نایش و بلیاس و آرسالیان دراز از زمان مرحوم نایب السلطنه توطن دارند تکلیف اینها چه خواهد بود باید بکلی از این حق محروم شوند یا اینکه مخصوصاً بطوری که پیشنهاد کرده ام یک نفر نماینده برای این بلوکات تصویب و تجویز شود که حقوق ملی آنها محفوظ بماند باوجود این عرایض رد یا قبول موقوف ببیل و نظریات نمایندگان محترم است از بنده یاد آوری بود که عرض شد

رئیس - چه میگوئید -

ذکاءالملک - نوشتنشان را بنده حرفی ندارم خیلی جاها از قلم افتاده است که اسامی که میخواهد جزء حوزه باشد بنویسد ولیکن مخصوصاً یک نفر علیحده بآن هاداده شود کمیسیون رأی نداد .

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج میرزا رضاخان آقاییکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد - دو پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان خوانده میشود (بسمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که مراغه بناب و فیره که دو نماینده دارد تجزیه کرده بر حسب اطلاع صحیح تقسیم نمایند بنده پیشنهاد مینمایم خوی و سلماس و فیره که دو نفر نماینده دارد کمیسیون تجزیه نماید

رئیس - توضیحی دارید .

آقا میرزا مرتضی قلیخان - اگر چه حساب مجلس معلوم شد و میدانم که اینهم رد میشود ولی

تا آخر آنجا هائیکه عقیده خودم است و مخالفم عقیده خودم را اظهار میکنم یا رد میشود یا قبول

رئیس - کمیسیون قبول ندارد ؟ (مخبر - خیر)

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد اولی آقای میرزا مرتضی قلیخان آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح دومی از پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند . (عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای سعید الاطباء قرائت میشود (بسمارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ۱۰۰۰ نفر اول این تقسیم نوشته شود تبریز و اطراف ۴۰۰ نفر اوجان عباس و مهرآزود و مرکز انتخابیه حاجی آقا یک نفر گوگان و دهغوران مرکز انتخابیه دهغوران یک نفر درونق انزاب مرکز انتخابیه شستتر یک نفر هشتتروند مرکز انتخابیه آتش یک نفر الان بر آغوش خانیروند مرکز انتخابیه الان بر آغوش یک نفر

رئیس - آقای دکتر سعید الاطباء توضیحی دارید بفرمائید .

دکتر سعید الاطباء - اینجا مذاکرات زیاد در کلیات شد بنده فقط اینجا باید عرض کنم که تبریز و اطراف که چهار صد هزار نفر جمعیت دارد و باید چهار وکیل داشته باشد و توابع آن که پانصد هزار جمعیت دارد و باید پنج نفر نماینده داشته باشد بنده خیلی تعجب میکنم که پانصد هزار باید تابع چهار صد هزار باشد که آنها مجبور باشند بشهر بیایند بنده نمایانم آنها را گول میزنم بنده پیشنهاد کردم که تبریز را علیحده و سایر جاها را مستثنی کنند و علیحده حق وکیل بدهند و هر کدام از این محل ها که نوشته شده است یقیناً صد هزار نفر متجاوز جمعیت دارد و جهت آنرا نمایانم برای چیست رأی خودشان را بفرستند بشهر تبریز در صورتیکه ممکن است خودشان رأیشان را در همان محل خودشان بدهند که همانجا نماینده شان معین شود تعجب میکنم که در شوراول آنجراتهائی - که از برای انتخاب یکمرتبه اظهار میشد و از رنجبر و رعت صحبت میشد حالا آن حرارتها چه شده است که حالا رأی نمیدهند همه حامی شهری شده اند و میگویند که در شهر نباید زیادت حق وکیل داد و حوزه هارا در مرکز شهر قرار میدهند معلوم میشود حکایت اشرف پرستی است و هیچ حق آنرست رنجبر بیچاره را منظور نمیدارند بنده مخصوصاً اینجا را پیشنهاد کردم و سایر نقاط را که آقایان پیشنهاد کرده اند و عرض میکنم که شهر تبریز علیحده رأی خودش را بدهد و سایر محلهائیرا که با شهر تبریز گرفته اند علیحده رأی خودشان را در محل خودشان بدهند در صورتیکه هر محلی از صد هزار نفر هم متجاوز کمیسیون این پیشنهاد را قبول ندارد بنده میگویم بکروز بنده و هشتتروندی و آقای طباطبائی و آقای محمد هاشم میرزا که در کمیسیون نبودیم و میدانیم آژائی که برای انتخابات جمعی داده است کمیسیون باچه عده بوده است چطور آسرای داده شده است

و گذشته است در صورتیکه روز بعد آقای طباطبائی و بنده آمدم معلوم شد که نمایندگان دولت هم این رأی را داده بودند و در کمیسیون اکثریت حاصل شده بود .

ذکاءالملک - اولاً خواهش میکنم از آقای دکتر سعید الاطباء که نسبت کذب بنده ننهند اگر کمیسیون ایشان را ندانند بودند بنده نمیگفتم در این باب مذاکرات زیاد در کمیسیون بعمل آمد بالاخره اینطور رأی داده شد اعضاء کمیسیون هم حاضرند آیا ممکن است که بنده در حضور آنها دروغ بگویم و در صورتیکه اکثریت کمیسیون حاضر بوده است و رأی داده است و رأی اکثریت هم که منطاب اعتبار است دیگر بنده نمیدانم چه اشکالی خواهند داشت .

رئیس - ایشان نسبت کذب بشما ندادند فقط خودشان سه نفر دیگر از اعضاء کمیسیون را اسم بردند که در موقع گذشتن این مسئله حاضر نبوده اند و البته هشت نفر دیگر که حاضر بوده اند اکثریت داشته اند و رأی داده اند و صحیح است حالا رأی میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای دکتر سعید الاطباء آقاییکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقای افتخار الواعظین قرائت میشود

افتخار الواعظین - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم .

رئیس - پس رأی میگیریم بنده نمایندگان آذربایجان و حوزه انتخابیه آن مطابق رأیورتی که از کمیسیون داده شده که ۱۹ نفر معین کرده اند آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده تقاضا میکنم که باورقه رأی گرفته شود .

رئیس - پنج نفر باید تقاضا کنند حوزه استر آباد .

استر آباد و توابع و بندر جز یک نفر .

حاج سید ابراهیم - نوشتن توابع قدری اشکال میشود برای اینکه مرکز آن در آنجا انجمن جزء تشکیل داد معین نیست یا باید لفظ توابع را حذف نمود یا اینکه نقطه که مرکز توابع است باید معین کرد که کجا است تا محلی که باید انجمن جزء تشکیل شود معلوم شود و الا استر آباد که گفته میشود برای شرکت در رأی دادن توابع هم داخل است و محتاج بذکر نیست .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم در استر آباد چند ده و بلوک دارد از قبیل فندرسک و کرد محله و جاهائی که دور دست شهر است و هیچ منافات ندارد که لفظ توابع نیاشد برای اینکه خود این محله قابل این است که یک شبه از انجمن نظارت در آنجا باشد و اینکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که ذکر لفظ توابع لازم نیست بنده ضروری در لفظ توابع نمی بینم و عقیده ام اینست که خیلی خوب است و لازم است نوشته شود .

رئیس - رأی میگیریم بحوزه انتخابیه

استر آباد که یک نفر است آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - اصفهان - اصفهان - برخوار - ماربین - مهتاب - کراچ بر آن - رودشتی اردستان - مهآباد قهیا - پنجنفر

دکتر حاج رضا خان - در اصفهان عیبی که دارد انتخاب جمعی است علاوه پنج نفر برای اصفهان نوشته اند در صورتیکه این خارج از ترتیبی است که نسبت بشهر های دیگر گرفته اند و ترجیح بلا مرجع است مثلا شهر تبریز جمعیتش بیشتر از اصفهان نیست تصدیق آنهایکه شهر تبریز و اصفهان هر دو را دیده اند و از اهمیت مجلس و تمدن و شهرتیش هم گویا دوم شهر ایران است و هر يك از این محلهائی که نوشته شده است هر کدام خودش قابلیت يك و کيل دارد و این نسبتی را که کمیسیون گرفته است نمایانم از روی چه مأخذی بوده است که ۹ نفر بآذربایجان داده و پنج نفر باصفهان در صورتیکه جمعیت اصفهان با توابعی که نوشته شده است مسلماً کمتر از تبریز نیست مثلا یکی از توابع اصفهان ماربین است که آقایان اسم ماربین را که میشوند تصور میکنند يك دهی است در صورتیکه آبادی بزرگی است و توابع زیاد دارد و به ذکر اسم ماربین و حقوق سایرین را هم بکلی از بین برده اند ماربین خودش تقریباً یکصد هزار جمعیت دارد و باید حق یک نفر نماینده بآنها داد نمایانم از روی چه ترتیب جز جمع اصفهان کرده اند و بنده مخالفم باین ترتیب

حاج وسیل الرعايا - گمان میکنم بعد از آنی که نظر مجلس معلوم شد که نباید عده نمایندگان زیاد بشود چنانچه خود ایشان هم عقیده شان غیر از این نبود و تصدیق کردند که عده کلا از صد بیست نفر زیاد تر نباشد پس خیلی تعجب است که زیادت از آنچه اینجا نوشته است میخواهند برای اینکه هیچ نمیتوان تصور کرد که ما دو صدرا بخواهیم تصویب کنیم که هم عده کل نمایندگان کم باشد و هم اینکه برای نقاط ماهی تقاضا بکنیم که زیاد بکنند همچو چیزی گمان نمیکنم صورت وقوع پیدا کند و این که ۹ نفر برای تبریز معین کرده اند صحیح است و آن عده را هم اصفهان معین کرده است صحیح است هر دو صحیح است و گمان ندارم که اشتباهی در این باشد که شهر تبریز را چه از حیث تمدن و چه از حیث جمعیت نشود بشهر اصفهان نسبت داد .

رئیس - در این باب گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) مرکز انتخابیه اصفهان مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه قمشه - قمشه - سمرق - جرقویه ابرقو - لنجان - وهقان - استرجان - یک نفر

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) مرکز انتخابیه - قمشه - مخالفی هست (اظهاری نشد) فریدن - چهار محال - نجف آباد - کرون - ده حق يك نفر .

رئیس - مخالفی هست

لواء الدوله - مسافت فریدن تا اصفهان تقریباً ۲۲ الی ۲۳ فرسخ میشود و جمعیت فریدن و تمام آبادی فریدن بواسطه اهل خوانسار است و تمام ایلاتشان آنها است و تمام داد و ستدشان و امر ماشان اینجا است تقریباً یا صند خانوار دارد

وتا خوانسار يك فرسخ است وبنده نیدانم بجهه
این نقطه را بخونسار ملحق نکرده اند وجزه اصفهان
کرده اند حالا خواهند گفت که در قدیم يك
وقتی این طور بوده است منبده عرض میکنم اگر
کارهای سابق مناط اعتبار است و برای ما
سر مشق است هزار سال است دولت ایران
استبدادی بوده است و حالا مشروطه شده است پس
باید برگشت بهمان حال استبدادی برای اینکه سابق
این طور بوده است از اینجهه بنده گمان میکنم این
نقطه را برگردانید جزه خوانسار بکنید ورای بدهید
که جزه اصفهان نباشد چون از فریدن تا اصفهان
همانطور که عرض کردم مسافت زیادی است ونی -
توانند اهالی از آنجا بروند باصفهان در جزه اهالی
اصفهان رای خودشان را بدهند و این اسباب این
میشود که این نقطه از حقوقشان محروم بمانند
رئیس - گویند اگر کاتی باشد (گفتند
کافی است) مرکز - مرکز انتخابیه - نجف آباد
آقا میرزا مرتضی قلیخان - مرکز
انتخابیه که نجف آباد معین شده است با فریدن و
و چهارمحال هیچ مناسبتی ندارد بجهه اینکه چهار-
محال خودش يك محلی است که حکومتش از اصفهان
سالها است موضوع است و مربوط باصفهان نیست
و اگر اینطور باشد که مرکز را نجف آباد قرار
بدهند اسباب محرومی اهالی چهار محال خواهد بود
زیرا که از آب و علف چرانی با همدیگر مناسبت
دارند و باین جهه بود که بنده در دوره اول عرض
کردم که خوبست باین دو محل یک نفر بدهند برای
اینکه عده اش تقریباً متجاوز از یکصد هزار نفر است
و زیاده از چهل و پنج یا چهل و شش دهات دارد که
هر دهاتی متجاوز از چهار پنج هزار عده دارد
و یقیناً حق یک نفر وکیل را دارد و آن روز هم
پیشنهاد کردم والا اینطوریکه اینجا نوشته شده
است معنی اینست که چهار محال موضوع باشد و
هیچ رای ندهد با اینجهه بنده پیشنهادی کرده ام که
مرکز را تغییر بدهند.

رئیس - آقای میرزا ابراهیم پیشنهادی کرده
اند خواننده میشود (بمعنا ذیل قرائت شد) بنده
تقاضا میکنم درمحل هائیکه انتخاب جمعی میشود با
ورقه رای گرفته شد.
رئیس - پنج نفر از آقایان نمایندگان تقاضا
کرده اند که در موارد انتخاب جمعی با ورقه رای
بگیریم ولی اگر بنا باشد با ورقه رای بگیریم خیلی
مشکل است و خیلی وقت مجلس را تضییع میکند
برای اینکه حوزه هائیکه انتخاب آن ها جمعی است
همچو نیست که تمام نقاط جمعی باشد بلکه يك
دو نقطه آن جمعی است و در این صورت باید آن
نقطه را تجزیه کرد و این در صورتی است که تجزیه اش
را تقاضا کنند بعد از آن که تجزیه شد آن وقت
میتوانیم رای بگیریم والا اینطور نمیشود مثلاً
اصفهان راسه نفر جمعی نوشته اند این را باید اول
تجزیه کرد که اصفهان علیحده و سایر راهم علیحده
و تقاضا نشده است و تجزیه نشده روی هر ورقه رای
میگیریم اصلاحی از آقای مدرس رسیده است قرائت
میشود (بمعنا ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم
که چنین نوشته شود اصفهان بر خوار مارین مزورود
قهاب کراچ بر آن لنجان و نوردستان رودشتین
مهاباد قهپایه یک نفر .
رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .
آقا سید حسن مدرس - عرض اینست که
انتخاب جمعی واقفاً خیلی فط است جاهای دیگر را
که نیدانم اما از اصفهان خیلی خجالت میکنم که ما
اینجا نشسته باشیم و اینطور رای داده شود لهذا از
مخبر محترم خواهش میکنم که نسبت باصفهان این
را قبول کنند و بنده قول میدهم که وکیل اردستان
زودتر از منتخب اصفهان بیاید .
رئیس - کمیسیون قبول دارد ؟
ذکاء الملک - بله بنده اینرا میتوانم قبول
کنم - مرکز را ۰۰۰ بنا بر این عقیده معلوم است
که در اردستان قرار میدهند .
مدرس - بله اردستان مرکز بشود .
رئیس - همینطور قبول میکنید .
ذکاء الملک - بله قبول میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان
خوانده میشود (بمعنا ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد مینمایم که اصفهان بر خوار مارین جی
برزورود قهاب کراچ بر آن رودشتین دو نفر -
اردستان مهاباد قهپایه جرقویه یک نفر قمشه سمیرم
ابرقو - لنجان دهقان اسفرجان یک نفر فریدن چهار
محال یک نفر - نجف آباد کرون - ده حق یک نفر .
رئیس - توضیح بدهید .
آقا میرزا مرتضی قلیخان - عرض کردم که
چهار محال خودش یکی از بلوکات معتبر است و بلوک نشین
نیست خودش بل محال معتبری است و یکی مالیاتش
از اصفهان مجزی است و قریب ۱۸ سال است که
حکومتش از طهران راساً حرکت میکند آب چرو
علف چری که راجع بانست کلی هست و بواسطه
اینکه فریدن با آن محل حکومتش هم یکی است
و جمعیتش هم از یکصد هزار نفر بیشتر است باین
جهه بنده تقاضا کردم که یک نفر باو بدهند و چهار محال
را هم یک نفر بدهند .
رئیس - کمیسیون چه میگوید .
ذکاء الملک - اینجا یک نفر برنمایندگان
اصفهان اضافه کرده اند و در عده کمیسیون نمیتواند
قبول بکند ولی در تغییر حوزه بندی ممکن است
تغییری داده شود .
رئیس - پس رای میگیریم باین اصلاح آقایانیکه
تصویب میکنند قیام نمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند) .
رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای بهجت
قرائت میشود (بمعنا ذیل قرائت شد) .
بنده پیشنهاد میکنم که مرکز انتخابات چهار-
محال و فریدن ده کرد باشد .
رئیس - عقیده کمیسیون چه چیز است .
ذکاء الملک - مرکز را تغییر داده اند از
نجف آباد بده کرد ده کرد هم جای معتبری است
ضرری ندارد قبول میکنم .
رئیس - در صورتی که قبول کرده اند
دیگر چه توضیحی است همین طوریکه قبول کرده اند
که بنویسیم .
رئیس - رای میگیریم در اصفهان باین اصلاحاتی

که شده است دوباره خوانده میشود .
ذکاء الملک - استعفا میکنم که این را
بگذارید برای بعد از تنفس که باعضاء کمیسیون
ویا و کلاه اصفهان مشاوره در اینخصوص بکنیم بعد
رای گرفته شود .
رئیس - عینندار موقع تنفس هم رسیده است
(در این موقع رئیس حرکت کرد و تنفس
شد - بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد) .
ذکاء الملک - کمیسیون برای داد بهمان
حوزه بندی هائیکه سابقاً رای داده بود .
رئیس - آقای مدرس مسترد میکنید پیشنهاد
خودتان را یا رای بگیریم .
مدرس - وقت مجلس را تضییع نمیکم
حالا که کمیسیون این طور فرموده اند بنده هم
مسترد میدارم .
(مجدداً پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان
راجع باصفهان قرائت گردید) .
رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان پیشنهادتان
را مسترد میدارید یا رای بگیریم
میرزا مرتضی قلیخان - بنده آن توضیحی
که دادم در پیشنهاد خودم برای این بود که ادای حق
از جمعی کرده باشم حالا باز تکرار میکنم که باید
یک نفر نماینده باشا داده شود و تقاضا میکنم رای
بگیرید اگر چه میدانم رد خواهد شد ولی بنده ناچارم
که بوظیفه خودم عمل نمایم و مجبورم که پیشنهاد
بکنم و توضیح بدهم و بدون افرار عرض میکنم هر
اندازه که بخواهم باینجا بیورم عده اصفهان و توابع
را خصوصاً چهار محال را که با اضافه کنیم یقیناً
هفتصد هزار جمعیت دارد که هفت نفر وکیل حق
دارد بنده در تکثیر عده اصرار نکردم برای اینست
که عقیده بنده هم بر آنست که نمایندگان از (۱۲۰)
نفر تجاوز نکنند و اما در حوزه چهار محال فریدن که
گفتم خارج شود و در نجف آباد باشد هفتاد نفر است
که در آخر خاک نجف آباد تا فریدن ۵۰ فرسنگ
فاصله است و آقایان چون اطلاع ندارند نرفته اند و
ندیده اند رای نیدهند ولی بنده خودم رفته ام و
دیدم چه قسم است چطور ممکن است که از ۵۰
فرسخی بیایند در آنجا رای بدهند و دیگر آنکه در
خود چهار محال قصباتی است که در خارج میشود
نسبت شهر به آنها داد تقریباً عده این دو تقاضا حق
یک نفر وکیل دارد و بنده عرض میکنم که اگر چنانچه
همین طوریکه کمیسیون رایبورت داده است ما هم
تصویب بکنیم و رای بدهیم يك ظلم و تعدی بانها
شده است .
رئیس - رای میگیریم باصلاح آقا میرزا
مرتضی قلیخان آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند
(عده قلیلی قیام نمودند) .
رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم
برایورت کمیسیون راجع باصفهان که ه نفر معین
کرده اند آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اقلب
قیام نمودند) .
رئیس - با اکثریت تصویب شد - بروجرد
بروجرد - سیلاخور - جابلق - بختیاری - چهار
لنگ دونفر
خرم آباد - بیش کوه پشتکوه ۲ نفر
رئیس - مخالفی هست در قسمت اول (اظهاری

نشد مرکز انتخابیه قسمت اول بروجرد
رئیس - در مرکز انتخابیه قسمت اول مخالفی
هست (اظهاری نشد)
رئیس - در قسمت دوم خرم آباد بیشکوه و بیش
کوه مخالفی هست .
لواء الدوله - عرض میکنم این پنج نفری
که بایلات داده شده است ایلات پشت کوه و پیش
کوه هم جزء آن ها محسوب خواهند شد یا خیر ؟
ذکاء الملک - ایلات خودشان نماینده
مستقل دارند پنج ایل هستند که در آخر حوزه بندیها
ذکر شده است .
رئیس - مرکز انتخابیه قسمت دوم (خرم
آباد) مخالفی هست (اظهاری نشد) رای میگیریم
ببروجرد و لرستان که چهار نفر معین کرده اند
آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اقلب
قیام کردند) .
رئیس - با اکثریت تصویب شد - چون دو
نفره قانون یکی راجع بروزنامه رسمی و یکی هم
قانون خرید اسلحه برای ژاندار مری جزء دستور
است اگر مخالفی نباشد قانون انتخابات را ختم
می کنیم بقیه اش را فردا مذاکره میکنیم (بعضی
تصدیق کردند) .
وزیر داخله - در باب لایحه خرید اسلحه
با تلفون هم عرض کردم که يك اشتباهی در قیمت
اسلحه که برای ژاندار مین شده است در این جا
(۶۰) مارک تعیین شده است و از قراری که معلوم
شده است قیمت باید (۶۶) مارک باشد برای این
سهوی که شده است تقاضا میکنم که آن لایحه را
فردا بنده بوزارت داخله که بعد از اصلاح مجدداً
تقديم مجلس شود
رئیس - لایحه قانونی راجع بروزنامه
رسمی چون طبع و توزیع شده است دیگر خواننده
نمیشود مذاکرات در کلیات است اینهم شور اول است
اگر مخالفی هست بفرمائید
آقا میرزا ابراهیم خان - بنده قبلاً
تشکر میکنم از وزارت داخله و شخص محترم وزیر
داخله که با اینهمه مشاغل مهمه و کارهای بسیار روی
هریخته که دارند مهتداً هیچ کار جزئی را از کارهای
وزارت داخله از نظرشان نیندازند اما آنچه لازم
است راجع بتشکیل اداره روزنامه رسمی بنده آن
چه در این لایحه روزنامه رسمی نگاه کردم دیدم که
اگر بخواهم در یکی از اینمواد این لایحه رای بدهم
باینجه بیدرانی است که بیشتر داده ام با عملی است که پیرویه
کرده ام زیرا که آقایان نمایندگان محترم در نظر
دارند که در ۱۴ شوال سال گذشته یعنی یکسال قبل
بوجوب طرحی که از طرف نمایندگان محترم پیشنهاد شده
بود چند کمیسیون مذاکره شد و ببجلاس آمد
و رای دادیم چیزی که هست در آنجا بطور اختصار
بود و در این لایحه مشروحاً ذکر شده است بهرجهه
رای داده ایم یعنی آنچه راجع بعبود قانونی بوده
است و تکلیف معین کرده بودند گذشته است
و از نظر آقایان گذشته است و مجلس هم تصویب
کرده است و برای تذکر خاطر آقایان خارج از این
نیدانم که معین آن ماده و یکه از اینجا گذشته است
عرض نمایم .

ماده واحده - در تحت مراقبت و نظارت
وزارت داخله بخارج دولت در پایتخت روز نامه
رسمی ایران تأسیس میشود که حاصل خواهد بود
دستخطهای سلطنتی و احکام وزارتخانه و اعطای
امتيازات و شئونات و عزل و نصب و قوانین موضوعه و
صورت مشروح جلسات دارالشورای ملی و همه گونه
مطالب رسمی دیگر دولت را همان روزیکه در مجلس
این لایحه مطرح مذاکره بود بنده مخالف بودم که
جزئیات او را بنویسد و جزو مواد قانونی نمایند و
بنده فقط راجع میکنم آن جزئیات را بمقرراتی که
در وزارت داخله باید معمول شود و وزارت داخله
بهر طور که لازم بداند باید روز نامه رسمی بآن
ترتیب و بآن شرایط از طبع خارج شود ولی حالیه
بموجب این لایحه که تقديم مجلس شده است و چهار
ماده مرقوم شده است که باید رای داده شود بنده این
چهار ماده را جملاً منطوق میدانم در عین ماده که بطور
اختصار تصویب شده است فقط چیزی را که مادر این
ماده متذکر نشده ایم مطبوعه دولتی است که روزی داخله
اوراهم یادآوری کرده اند و او را جزء روزنامه رسمی
خواسته اند بکنند البته معلوم است دولت وقتی مطبوعه
دارد از خودش نباید روزنامه را جای دیگر ببرد
مزد بدهد و مطبوعه خودش را اجاره بدهد البته تصدیق
خواهند فرمود که اگر یک همچو چیزی بشود يك چیز
نامناسبی است و شأن يك دولتی نیست البته باید آن
مطبوعه بتصویب وزارت داخله جزء اداره روز نامه
رسمی که روزنامه دولت است باشد چیزی که در این
لایحه روزنامه رسمی لازم بود پیشنهاد کرده باشند
يك اعتباری بود که از برای مصارف آن روزنامه
میباستی از طرف وزارت داخله خواسته شود و آن
اعتباری هم ک داده شد برای تأسیس روزنامه رسمی
بود تا بعد از چند مدت درست معلوم شود چه دخل
دارد و چه خرج دارد حالا اگر بعد از این مدت
سنجیده اند که اداره روزنامه رسمی برای دولت چه
خرج دارد و چه دخل دارد و معین کرده اند که اعتباری
برای وزارت داخله لازم است که باید جزو اعتبارات
دولت مبلغی اعتبار بوزارت داخله داده شود و اگر
برای مقررات وزارت داخله است که بخواهیم رای
بدهیم تصور میکنم که يك رای غیر قانونی داده شده
است و مجلس هم داخل يك موضوعی شده است که
وظیفه او نبوده است زیرا مقررات هر وزارتخانه
راجع بخواهد او است و از حقوق مختصه وزارت داخله
است که هر ترتیبی که در داخله سودش لازم شود
دستخط صادر کند و مجری نمایند چیز دیگری که
در این لایحه متذکر شده اند رسمی شدن قوانین و
احکام وزارتخانه است بعد از طبع شدن در روزنامه
رسمی او را ما نمیتوانیم رای بدهیم و بگوئیم بعد
از طبع شدن در روزنامه رسمی لا ام الاجراء است
زیرا قانونی که مقنن وضع میکند يك مدتی برای
جریان او و برای شروع او قرار میدهد که مثلا
بعد از دروز روز از وضع آن اجرا شود پس او هم موقوف
بملاحظات و نظریات هیئت مقننه و قوه مجریه است که
هر طور صلاح بداند قرار بدهد پس بند باز تصور
میکم که اینهم از وظیفه قانونی ما خارج است و این
لایحه قانونی نیست و بلکه ماده که بطور قانونی از مجلس
گذشته است بموجب آن يك ماده وزارت داخله حق

دارد هر تیبی را که برای اداره روزنامه رسمی لازم
میداند مقرر و مجری بدارد .
وزیر داخله - این فرمایشاتی که آقای
میرزا ابراهیم خان کردند در بابی نظر همینطور
بنظر میآید ولی این لایحه قانونی را مستشاروزارت
داخله نوشته اند و من این فرمایشی را که در اینجا
اظهاری کردند باو گفتم او میگوید روزنامه رسمی
را در همه جایك اهمیت فوق العاده داده اند و در اینجا
اهمیت ندادند و من لازم میدانم که این لایحه از
مجلس بگذرد بواسطه اینکه نظری که مستشاروزارت
داخله داشته اند تماماً کید کرد وزارت داخله این لایحه
را پیشنهاد مجلس کرده و تصور میکنم که در این
جزئیات زیاده از این تردیدی نشود و زودتر این لایحه
بگذرد بهتر است .
بهجت - اگر چه آقای وزیر داخله فرمودند
که این لایحه از نظر مستشار وزارت داخله گذشته
است و حالیه پیشنهاد مجلس شورای ملی میشود معذک
بنده حالاً نظرات خودم را عرض میکنم این لایحه
چهار پنج ماده است فقط ماده آخرش يك چیزی
است که ممکن است دو قسمت شود و در قسمت آخر
رای گرفته شود ماده اول که مفاد قانون اساسی و
مقدمه است از برای هر يك از قوانینی که وضع میشود
پس ماده اول راجع است بقانون اساسی بنا بر این
آن ماده اول چیزی نیست که راجع بروننامه رسمی
باشد ماده دویس دست آقایان در نظر بگیرند هیچ
راجع نیست بمجلس و راجع است بخود وزارتخانه
احکامی که صادر میشود با قوانینی که وضع میشود باید
باداره روزنامه رسمی بفرستند و درج نمایند دیگر
این راجع بمجلس نیست این راجع بخود وزارت
خانه ها است مثلاً اینجا مینویسد که اگر نیاوردند
بدهند از طرف اداره روزنامه رسمی اختطاری خواهد
شد قانون آن چیزی است که اگر نیاوردند مطالبه
شود اختطار شود و این بهیچوجه راجع بقانون
نیست و مربوط بخود هیئت وزراء است آدمیم سر
ماده سیم ماده سیم هم نظامنامه است برای اداره
روزنامه رسمی و چیزی نیست که از مجلس بگذرد
و ممکن است یکوقت تغییر کند یا اینکه وزارت
داخله لازم بداند يك فصل بر او علاوه کند پس
در اینصورت این ماده هم راجع بقانون نیست ماده
۴ هم قسمت اولش که راجع بمطبوعه است و ربط
بقانون ندارد و بنظر بنده چیزی نیست که از مجلس
بگذرد فقط چیزی که هست يك صرفه جوئی است
که دو اداره یکی شود و يك مدیر داشته باشند
يك صرفه جوئی است و هر طور وزارت داخله صلاح
میداند باید مقرر بدارند و با نظریکه وزارت داخله
دارد باید اجرا شود اما قسمت دویس که مشمول
روزنامه رسمی کیست صحیح است و معلوم است که
مستول وزارت داخله است این هم يك چیزی است
که ممکن است بآن ماده که از مجلس گذشته علاوه
کنیم و الا این لایحه چیزی نیست که قانون باشد
و از مجلس بگذرد و همین طور که عرض کردم
قسمت سیم اولش مقدمه است و قسمت دویس مربوط
بمجلس نیست قسمت سیم نظامنامه است برای روزنامه
رسمی قسمت اول از ماده ۴ هم که يك چیز زائدی

۱۹ نفر بآذربایجان دادیم باید بخراسان هم ۱۵ نفر بدهیم هیچ جهت ندارد که از اینجا کسر بکنیم از جای دیگر کسر بکنیم و بگذاریم اینجا همان حوزه بندیهایش را کرده آن وقت آن چهارستانی که تازه اضافه کرده است آن وقت سبزواریکنفر حق داده اند در یک جا بگوئیم برای سهولت است برای موقع سکه مقتضی است از روی جمعیت است آخر اینکه میشود در هر جا یک نفر مخصوص می مجبوراً رأی بدهیم و بگذرد و برود باین جهت مخالفم .

رئیس - شما مجبور نیستید و کسی مجبور نیستند شما را که رأی بدهید .

افتخار الواعظین - گویا آقای دکتر حاج رضا خان خیلی اظهار بی مرحمتی کردند نسبت بخراسان میفرمایند که عده را زیاد خواسته اند وقتی تقسیم کرده اند حوزه بندیها را به هر صد هزار نفر حق و کیل داده اند پس این را ۴ قسمت کرده اند یک قسمت او را داده اند سبزواری و ۳ قسمت را داده اند بشهد گویا سایر جاهای دیگر را جزء این بشود گفت که فلان جا ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اگر قبول ندارند برونند بشمارند اما خراسان احصایه شده است و صورت او را هم فرستاده اند بوزارت داخله خوب است آقای دکتر تحقیق بفرمایند که آن بلوکاتی که بنده گفته ام بدون جام باخزر حق ۴ نفر و کیل دارد از برای این که جام باخزر را میخواستند جدا کنند آن وقت ناچار بودند که عده و کلاه را ۱۶ نفر بکنند بجهت این که جام باخزر هر دو جزء تربت شده لیاقت یک نفر و سکیل دارد از برای آن که عده به ۱۶ نفر نرسد آمده اند که دیگر را ضمیمه شهر مشهد کرده اند والا اگر از کسانی که اطلاع از مشهد و توابع دارند پرسند عرض میکنم که مشهد خودش تنها حق ۴ نفر نماینده دارد و جام باخزر که بآنجا اضافه شده است این زیادی و تحمیلی است .

رئیس - مذاکرات گویا کافی است (گفته شد کافی نیست)

رئیس - برای میگیریم که مذاکرات کافی است یا خیر آقایانکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست **لواءالدوله** - بنده مخالف هستم گفته کم کم زیاد شود آقایان نمایندگان خراسان هیچ تصور میکنند کدر شهرها از روی احصایه انتخاب شود اول آذربایجان تقریباً سه کرور شد کسی هم در این مدت ترفته است تحقیق کند تحمیل میگویند فارس ه کرور است خراسان چهار کرور است در این سه ماه بنده نام و با آمد طاهون آمد بطور شد که بلعمرته کم شد بنده بنده نام این چه نظری است و نظر کمیسیون برای چیست از صد هزار نفر منتهی چهار نفر مرده باشد وباقی اوهست قفلا چهارمده نماینده کم شود و از آنطرف می آید میگویند که خراسان دویم شهر است یاسیم شهر است ما که ترفه ایم بشماریم همه ماها از روی قیاس واز روی تخمین میشنومیم که تبریز اینقدر جمعیت دارد طهران اینقدر است خراسان اینقدر است خراسان دویم هزار نفر جمعیت دارد جام و باخزر هم آخر یکمده دارد و باید آخر بآنها هم

بلوک کلی داد دوست ملاحظه نشده است اگر بنده جزئی و کلی را بخواهم عرض کنم باز زنک زد میشد **معدل الدوله** - خراسان از جمله جاهای است که بخلاف سایر نقاط میزبانی و تمدن شده است و جزء بجزه رسیدگی شده است در چهار سال قبل از این بجزئی و کلی آنجا رسیدگی شد و در آن احصایه یک ترتیبی داده و یک تعیین از صد نفوس بر حسب مردودت شده بنده خودم بلوک و نقطه را احصایه نمودم و چون کلیه در بعضی نقاط دیگری شرکت داشتم و این عده نمایندگان که نوشته اند معقلاً موافق است با عده نفوس آنجا بلکه یکی هم نوشته اند ولی کمتر از این نمی شود اینقدر لازم است و اینطوریکه نوشته شده است صحیح است .

صدرالعلماء - خیلی مذاکرات شده بنده بطور اختصار میخواستم عرض کنم خراسان را بنده چندین وقت خاکش را جمعیت او را کمتر از تبریز ننیدانم نوشته اند چنانچه در دکان جام باخزر و حال آنکه توابعش را تمام باید بدانند چقدر است چهار بلوک دارد مشهد فلان (اسامی را بدهم ذیل شمرند) حالا بحساب آنجا هر کدامی که مر کردار و ولی تخمین هر کدام ۷۰ قلمه در زمین اینهاست و این چهار نفریکه اینجا معین کرده اند برای مشهد و جام باخزر خیلی کم است باین بلوکات که ضمیمه او است بنده استدهام میکنم که یک تجدید نظری بکنند و افلا شش نفری بآنجا بدهند و آنکه فرمودند که زوار فقط آنجا میروند مجاور هم دارد و همچنین نیست گفته اش زوار باشد و این تفسیری که آقای معدل الدوله فرمودند که احصایه و تعدیلات در مرکز شده خودش آن کرده اند بنده قبول دارم ولی باقی را قبول ندارم .

محمد هاشم میرزا - بنده با این چیزیکه از کمیسیون گذشته است در مرتبه اول حوزه بندی شده بود که چند ماه قبل بود که در آن مذاکره شد برای عده خیلی مذاکرات بیان آمد و همینطور که میفرمایند تعیین عده غالباً تعیین بود ولی از بعضی جاها از قبیل خراسان نظر باحصایه و تحقیق بوده یعنی علاوه بر میزبانی و تمدنی که برای چند نقطه خراسان فراهم شد در صدارت شاهزاده عین الدوله مخصوصاً آنجا میزبانی شد که یکی از آن میزبانی آقای معدل الدوله بودند که چنانچه خودش هم فرمودند ایشان قایمات بپرچند رارسیدگی کردند علاوه بر این بجنورد و جاجر و اسفراین را یک میزبانی دیگر در وقتی که مجلس افتتاح شد بمثل آمدیم آقای قوام السلطانه که آنوقت معاون وزارت داخله بودند خیال داشتند که کلیه ایالات را بولایات تجزیه نمایند و از اینجهت در صدد بر آمدند که احصایه بدست بیاورند باینجهت بود که تلگرافات بولایات کردند و تا کیدات بحکام شد دستور الملها دادند چنانچه از تبریز وارومی گفته ها رسید از بعضی نقاط هراق هم هم رسید تقریباً از زنجان و کاشان هم رسید از خراسان و جاهای دیگر هم رسید آقای حاج مستقیم السلطانه هم در ارومی در آرزو آن حکومت داشتند و رسیدگی کردند منجمله احصایه خراسان و اینطور نیست که یک چیز هوایی باشد صورتی که گاز اول آن دولت تا حال رسیده است در وزارت داخله مضبوط است چیزی نیست که قفیر معلوم باشد تا اینکه افران عرض کرده باشم و همچون نیست که کسانی بهمد مشرف

شده اند برای زیارت احصایه آنجا را بدست آورده باشد تا اینکه اظهار اطلاع بکنند که فلا چقدر است خبر اینطور نیست شاید هزار سال قبل از اینکته مشهد آباد بوده و فقط یک مقبره حضرت رضا بوده است مشهد جمعیتی نداشته ولی حالا ساکنین مشهد تجار از صد و پنجاه هزار نفر هستند و همینطور که آقای افتخار الواعظین فرمودند دارای پنجاه شصت یارچه بلوک است که مشتمل بر چندین ده است و مشتمل بر چندین قصبه است همانطور که آقایان از ولایات بیان میفرمایند که هر کدام دارای پنجاه خانواده میباشد ولی مامعش اینکته زودتر بگذرد نخواستیم ایم هر دمکه باقیبصرا مذاکره کنیم و اینکه آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند که من چنانچه رفتم و اطلاع دارم که هزار نفر جمعیت دارد شاید این مسافرت که کرده اند از چنانچه گذشته و فقط چنانچه را دیده اند ولی مقصود ما از آن همان دهمی نیست که ایشان از آنجا گذشته اند چنانچه پنجاه یارچه دهه آبادی در اطراف خودش دارد علاوه ایلی که دارد الا خود آبادی چنانچه همانطور که فرمودند هزار نفر جمعیت دارد ولی اطلاع ایشان از آنجا مثل این میماند که کسی از ایوان کی بگذرد و بگوید که خوارم همانقدر جمعیت دارد در صورتیکه اینطور نیست و ایوانکی دهمی است سر راه آن چنانچه هر دهمی است سر راه مشهد اگر صورتی را که بوزارت داخله داده اند بخواهید ملاحظه بفرمایید می بینید که یکسلیون و سبصد و پنجاه و هشت نفر احصایه آنجا شده و الا آن هم صورتش در دست وزارت داخله هست و از بخواهیم تفصیل بدهیم توضیح وقت میشود و الا تمام را جزء بجزه عرض میکنم و برای اینکه خاطر آقایان نمایندگان مسیوق شود این صورت را طبع و توزیع میکنم که بنظر تمام ایشان برسد و از اینجهت مخالفم با این راپورتیکه از کمیسیون داده اند و پیشنهادی کرده ام به ترتیبی که عرض کردم و نوشته شده باید که (۱۷) نفر و کیل برای خراسان باشد و هر جزیش را هم که میفرمایند اینطور نیست حاضر کم ثابت کنم و بهر وسیله که نماینده آذربایجان و اصفهان را ثابت و معین فرمودند بنده هم بهمان دلیل ثابت میکنم علاوه احصایه و علاوه تصدیق دولت و اینکه آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند که عده و کلاه را که زیاد کرده ایم بآنجا هالتره ایم اینطور نیست که بجهت عده و کلاهی یک نقطه زیاد کرده باشند بلکه در نظامنامه انتخابات که ملاحظات کردند بعضی را ناقص میدانستند خصوص در حوزه بندیها و بر آنجا برای عدم اطلاع آنها ظلم شده بود و رعایت تناسب درباره آنها نشده بوده رفع آن معرومیت را کردند از آنها مثلاً برای اصفهان سابقاً سه نفر معین شده بود کم بوده و پنج نفر کردند و همینطور کردستان را دیدند که کم است چهار نفر کردند اما آذربایجان را دیدند که همانطوریکه اول در نظامنامه خودش آن تصدیق کردند صحیح است همان اندازه را تصدیق کردند علاوه خاطر آقایان مسیوق است که در انتخابات سابق کدو درجه بود و بخراسان حق انتخاب یازده نفر داده بودند در درجه اول دوازده نفر بشهد داده بودند که دویم بود که سه نفر یک نفر بدرجه دویم داده میشود

و این اشتباه بود که یک نفر در درجه اول بشهد داده بودند اینستکه پیشنهادی بنده عرض کردم و در تمام حوزه بندیهایش هم هر کس مخالف است بنده حاضر هستم که تمام را مدلل و شرح بدهم یعنی مقصود ادای وظیفه خودم است و راجع باطلاعات ولایتی خودم حالا نمایندگان میخواستند قبول بکنند یا نکنند .

رئیس - حالا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) حوزه انتخابیه کلات (کلات - دره خیر - سرخس یک نفر) **رئیس** - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه دره خیر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه ترشیز .

ترشیز - کوه سرخ - بیستان یک نفر **رئیس** - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه سلطان آباد .

رئیس - کسی مخالف نیست (اظهاری نشد) حوزه سبزواری .

سبزواری - مزینان - جوین - بام و صفی آباد سر ولایت .

حاج سید ابراهیم - در اینجا سبزواری نشسته و مزینان را جزو کرده اند گویا قصبه است و دو کلیه آنها بنده عرض کردم یکوقت هست که نظر بنده نفوس است و باید مانتظر بنده نفوس بکنیم و حق انتخاب و کیل هم آنوقت بهر صد هزار نفر یک نفر بدهیم اگر چه صد نمایندگان صد و شصت نفر میرسد و یکمرتبه این است که باید رعایت عده صد و بیست و تناسبات را کرد در یک جا می آیم چندین قصبه را یک نفر میدهم ولی در جای دیگر که یک یا دو قصبه را دو نفر میدهم بنده نمیگویم که چرا باینجا دو نفر میدهند عرض میکنم که بنظر تمام ایشان برسد و از اینجهت مخالفم با این راپورتیکه از کمیسیون داده اند و پیشنهادی کرده ام به ترتیبی که عرض کردم و نوشته شده صد و چهل و پنج هزار نفر است و از روی تناسب نباید دو نفر داد و بنده عده نظرم به تناسب حوزه بندیها است از حیث تناسب ملاحظه میکنم می بینم در سبزواری و مزینان و جوین این سه قصبه را دو نفر میدهند ولی فریدن و چهار محال و نجف آباد و کرون و دهن را یک نفر میدهند اینستکه بنده همه اشکالم در بی تناسبی این حوزه بندیها است که ملاحظه نشده و حوزه بندی از افکار افرادی نه آراه جمعی از نمایندگان .

آقای محمد هاشم میرزا - مدلل میدارند که در فلان کتاب نوشته است عده نفوس خراسان یا جای دیگر دو صد هزار نفر است بنده از اینجهت مخالف نیستم فقط مخالفم برای اینستکه رعایت تناسب نشده و حال اینکه بناه بود نظر بنده نفوس نشود که زودتر مجلس افتتاح شود و رعایت تناسب باین است که یک نفر نوشته شود .

محمد هاشم میرزا - ملاحظه خواهند فرمودند که مقصود اسم بردن دو نقطه و سه نقطه برای دادن یک و کیل نیست سابق جوین بام و سر ولایت و صفی آباد یک و سکیل داشت و سبزواری یک و کیل بهمان نظریکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند تعداد نفوس سبزواری از یکصد و چهل و پنج هزار

کرده بودند و جمعیت جوین راسی ونه هزار و پانصد نفر به صفی آباد و بام (۲۲) هزار و هفتصد نفر و سرو لایت را (۲۲) هزار و پانصد نفر آنجا کمتر جمعیت داشت و جمعیت سبزواری زیادتر بود این بود که آقای حاج شیخعلی پیشنهادی کردند که هر یک هلیجده یک نماینده داشته باشند ولی جوین و سبزواری هر دو باید یکدیگر متناسب هستند و جوین متصل است با خاک سبزواری و همه دور سبزواری هستند و شهرستان سبزواری است اگرچه حکومت نشینی آنها و حاکم آنها الان هلیجده است و از مشهد میروند که الان هیچ مناسبتی از حیث حکومت با سبزواری ندارد و بام و سر ولایت حکومت هلیجده دارد و چون حکومت هلیجده دارد و هشت قصبه بام و صفی آباد هشتاد یارچه ده دارد تصور نفرمائید که دارای پنج شش قصبه و یک جائی است که فقط یکمزرعه است جوین مثل خلخال است که آقای منتصر السلطان فرمودند که حق انتخاب یک نفر و کیل مستقیماً بآنجا باید داده شود و هفتاد یارچه دارد از باب رعایت تناسب هم آقای حاج شیخعلی پیشنهادی فرمودند و قبول شد حالا اگر بعد از آن کمیسیون آن پیشنهاد را قبول ندارند و نظر ندارند به تناسب این سه محل بنده هیچ مراضه ندارم .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست (گفتند کافی است) مرکز حوزه انتخابیه سبزواری .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه تربت حیدری .

تربت حیدری و بلوکات و محولات خوانین یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهار کردند خیر) مرکز حوزه انتخابیه تربت .

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) حوزه نیشابور .

نیشابور و توابع یک نفر **رئیس** - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه نیشابور .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه فوجان .

فوجان و شیروان یک نفر **رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه انتخابیه فوجان .

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر) حوزه بجنورد و اسفراین و جاجر - یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) حوزه طبرستان و تون یک نفر

معدل الدوله - بنده همانطوریکه عرض کردم اینکه جمعیت آنجا بیشتر از چند هزار نفر است حرفی ندارم لکن باید چنانکه در شورش اول این قانون هم عرض کردم قایمات که مشتمل بر چندین

بلوک است که یکیش هم قاین است فقط از یک بلوک که قاین است اسم برده اند و از باقی اسم نبرده اند قاین اسم کلی این مملکت است و این مملکت را کلیه قایمات میگویند چطور میشود که مرکز تمام آنها را قاین قرار بدهیم بنده یک پیشنهادی کردم که اگر ملاحظه بفرمائید توضیحش اینست که خوسف یک جائی است که از توابع قاین است و خارج از قاین است و در همه جا می نویسند که قاین و خوسف بسلاوه نهندان هم از حیث وضع طبیعی و وضع ایلات و غیره با قایمات مخالفت دارد و در جائی واقع است که جلگه مینا باشد و یک محل مخصوصی است که اهل تسنن هم آنجا مسکن دارند اگر چنانچه این جور بنویسند و تصحیح عبارتی بشود که قاین و توابع و قاین خوسف و طبرستان و نهندان این یک صورتی صحیح پیدا میکند و شامل همه قایمات می شود .

محمد هاشم میرزا - لازم نیست که اسم بلوکات برده شود و قایمات هم صحیح است و اسم همه آنها را است ولی شهر قاین هم خودش جای معتبری است پستخانه دارد تلگرافخانه دارد و جائی است که مرکز کل قایمات است .

مرکز حوزه انتخابیه بجنورد **رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه سیستان .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه سیستان یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه نصرت آباد .

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) **رئیس** - پیشنهاد هائیکه رسیده است خواننده میشود . (پیشنهاد آقای افتخار الواعظین بسیار ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که دو نماینده سبزواری و مزینان که اشتباهاً نوشته شده اینقسم معین شود که سبزواری و توابع یک نفر - جوین و بام و صفی آباد و سر ولایت یک نفر .

رئیس توضیح کداری بدباز هم توضیح دادید . **افتخار الواعظین** - بله باز هم توضیح دارم **رئیس** - بفرمائید

افتخار الواعظین - یکمرتبه واقف می خواهم با اهالی بام و صفی آباد و جوین و سر ولایت حق انتخاب بدهیم یکمرتبه اینستکه نمیخواهیم بآنها حق بدهیم و فقط می خواهم اسمی از آنها برده باشیم امکنرمی خواهیم حق انتخاب بدهیم آن جا را که ضمیمه بکنیم به سبزواری انتخاب هم در د سبزواری بمل بیاید و فقط دو نفر نماینده از سبزواری خواهد آمد با سبزواری جوین و بام و صفی آباد و سر ولایت ولی اگر حقیقتاً بخواهیم بام و صفی آباد و جوین و سر ولایت حق انتخاب یک نفر و کیل بدهیم بنده عرض میکنم که آنجا نباید طبعی یک حوزه انتخابیه داشته باشد و بخودش حق انتخاب یک و کیل بدهند که اهالی جوین و بام و صفی آباد و سر ولایت خودشان جمع شوند و یک نفر و کیل انتخاب بکنند و اعتبار تمام خودشان را بدست او بدهند و بفرستند بطهران و ابداً مربوط نباشد که انتخاب آنجا بیاید

سبزواری باید خود آنها انتخاب کنند و بینند اکثریت با کیستند او را بفرستند حالا اگر آقایان میخوانند حق بدهند سبزواری را یک نفر بنویسند و آن باقی دیگر را هم یک نفر بهتر است که مستقلاً حق انتخاب یک نفر وکیل داشته باشند.

رئیس - کمیسیون چه میگوید.

ذکاءالملک - دلایل اینکه اینجاها ما یک حوزه انتخابیه کردیم آقای محمد هاشم میرزا گفتند.

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای افتخار - الواعظین آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد - آقای متین السلطنه پیشنهاد جناب عالی هم همین است آنکه رد شد دیگر اینرا رأی نمیگیریم - (پیشنهاد آقای مزمل الملک بعبارت ذیل قرائت گردید)

مشهد - چناران - رادکان - بیره زن - دزداب - ارومه - میان ولایت - سرخام - شیدان - چرلان - خانه اخلوید - جام - باخرز چهار نفر.

مهرزاملک - توضیح بنده خیلی مختصر است جام و باخرز که آنجا نوشته شده باقی توابع را هم بنده خواستم اسم برده شود که معلوم شود آنها هم حق داوند داخل شوند و شرکت کنند در انتخابات.

ذکاءالملک - صحیح است ایشان تعریفی نکردند فقط توضیح دادند ضروری ندارد.

رئیس - همینطور نوشته شود.

ذکاءالملک - نوشته شود بهتر است.

رئیس - اصلاح آقای حاج سید ابراهیم (ببابت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای مشهد و چناران و رادکان و سایر بلوک سه نفر معین شود.

حاج سید ابراهیم - اجمالاً عرض کردم که

مقصود رعایت تناسب است در این حوزه بندی ها و از فراد اظهاراتی که خود شاهزاده محمد هاشم میرزا

غالباً از روی آن کتاب میفرمودند جام و باخرز و آنجاها دویست هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد و بیش

از سه وکیل نباید بانها بدهند و بنده تعجب در اینست که شور اول نماینده خراسان (۱۶) نفر بوده و

بعد هشت دولت که چهل نفر را کم کرد چهارده نفر برای خراسان پیشنهاد کرد از خراسان هم دوتفر کم

کرد چنانچه همه جا کم کرد بنده حالا می بینم از همه جا کم شده است ولی برای خراسان یک نفر زیاد

شده است در هر حال بنظر بنده عیب در بی تناسب بودن حوزه بندیها است و از همین جا است که بنده

پیشنهاد کرده ام که آن یک نفریکه اضافه شده برداشته شود که رعایت تناسب حوزه بندی بشود.

ذکاءالملک - اینطور نیست که میفرمایند اول آن یک نفریکه میفرمایند که اضافه شده است و

مطابق رأی دولت است دولت برای آذربایجان هم (۱۸) نفر معین کرده بود ما یک نفر اضافه کردیم و این یک نفر که اضافه شده است فقط برای سیستان بود

نه برای خراسان.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای

متین السلطنه (اصلاح مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که عده نمایندگان مشهد سه نفر معین شود و جام و باخرز یک نفر که حوزه جام و باخرز از حوزه مشهد تجزیه شود.

متین السلطنه - اولاً از حیثه و جمعیت چنانچه گفته شد مشهد و توابع یک میزان صحیحی در دست دارند و میدانند که مشهد و توابع خودش سیصد هزار نفر جمعیت دارد و این از روی صحت است و هیچ نمیتوان گفت که غیر از این است فقط چیزیکه هست جام و باخرز را علاوه کرده اند که

بجهت علاوه شدن آنجا یک نفر علاوه شود و جمعیت خود جام پانزده هزار و خورده است و جمعیت باخرز هفتاد هزار نفر است شاید با توابع و قصباتیکه دارند بتوان گفت که از صد هزار نفر ده هزار نفر یا بیست

هزار نفر کم دارند ولی در هر صورت برای هشتاد هزار نفر آمن بشهد و رأی دادن در مشهد یک قدری بی انصافی است تعیین میشود آن ایراد آنرا

که راجع بسرومیت کردیم اینجا هم بجهت اینکه مردم نتوانند آمد بشهد که رأی بدهند و در این پیشنهادیکه بنده کرده ام بعد از جام و باخرز کلمه

توابع اضافه شده است دوسه نفر برای مشهد و توابع میشود و یک نفر برای جام و باخرز و توابع.

رئیس - کمیسیون قبول نمیکند.

ذکاءالملک - غیره.

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند).

رئیس - رد شد - (اصلاح آقای لواءالدوله بمبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که برای مشهد و توابع چهار نفر و برای جام و باخرز یک نفر نماینده داده شود.

لواءالدوله - عرض میکنم بنده بنظر همان تخمین توضیح میدهم بجهت اینکه آقایانیکه توضیح میدهند از تخمین خارج نمیشوند و بنظر من نیست از روی نظر تخمین مشهد و توابع چهار صد هزار نفر جمعیت دارد و جام و باخرز که پانزده هزار نفر از صد هزار نفر کم دارند اهمیت ندارد که ما حقوق هشتاد و پنج هزار را ضایع کنیم برای پانزده هزار نفر و یک نفر را کم بکنیم این یک نفر کم و زیاد بشود

اهمیتی ندارد.

ذکاءالملک - اگر یک نفر اهمیت ندارد از طرف کمی اگر ملاحظه شود بهتر است.

رئیس - اصلاح آقای کاشف (ببابت ذیل قرائت شد).

اصلاح راجع بحوزه بندی خراسان - بنده پیشنهاد می کنم که نوشته شود مشهد و توابع چهار نفر.

کاشف - پیشنهادی شد راجع بشهد و توابع راهم اسم برده بودند ولی باز ممکن است بعضیها

ببلم نیامده باشد وقتی که بنام اسمی توابع تماماً ذکر نشود شاید هم چه تصور بشود که سایرین حق

انتخاب ندارند اینکه بنده توابع نوشته توابع هم جامع است و اشتباه هم نخواهد شد از اینجهت بنده

پیشنهاد را کردم.

ذکاءالملک - یک پیشنهادی شده بود که توابع

مشهد تماماً اسم برده شده بود بنظر من خوب است و قبول کردم که اسم بیرند که اهالی هم بدانند حق رأی دارند.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند).

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا بنده پیشنهاد میکنم مجموع نمایندگان خراسان (۱۷) نفر مقرر شود.

(۱) مشهد چناران - رادکان - تبادکان ارومه اخلوید - دزداب - سرجام - گوارشک - بیره زن - گلر مکان - شاندریز - میان ولایت سه نفر (۲) سرخس کلات دره جز (۱) نفر (۳) نیشابور توابع (۱) نفر (۱۴) نیرصد مزینان جزین - بام صغی آباد -

هرولایت (۲) نفر (۵) تربت محلات یک نفر (۶) ترشیز و کوه سرخ یک نفر (۷) تون گناباد یک نفر (۸) طبس بشروه سجستان - حلوان یک نفر (۹) قاین بیرجند بلوکات یک نفر (۱۰) قوچان -

شیروان یک نفر (۱۱) سیستان یک نفر (۱۲) جام و باخرز - خانی یک نفر (۱۳) بجنورد اسفراین جاجرم یک نفر

محمد هاشم میرزا - پیشنهاد بنده جزء بجزه خوانده شود اختلاف پیدا میکند خوب است در آخر یک مرتبه خوانده شود.

رئیس - تفاوت نمیکند در آخر میخوانیم راجع بقاین ویرجند (پیشنهاد آقای مدلل الدوله باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در حوزه انتخابیه آقایان و بیرجند و نه بدان اصلاح عبارتی شده باین قسم نوشته شود.

قاینات - خوسف - نه بدان - طبس سینا عده یک نفر مرکز انتخابیه بیرجند.

مدلل الدوله - کلمه قاین را میتوانم استرداد کنم قاینات بنویسند اما یک بیانی کردند شاهزاده

محمد هاشم میرزا که لازم است توضیح بدهم خودشان و سایرین تصدیق دارند که میزبانی خراسان را کرده ام و صورتی که از وزارت داخله گرفته اند آن صورت را

بنده داده ام و اینطوری که حالا اظهار فرمودند مخالف آن تصدیق ایشان است و از فرمایشاتشان

همچو فهمیده میشد که راضی بنده از روی بی اطلاعی بوده است همینقدر میخواستم عرض کنم با تصدیقی که

خودشان فرمودند این اظهارشان میتوانم عرض کنم که اجتهاد مقابل نص است و اجتهاد در مقابل نص هم

خلاف نزاکت است

رئیس - اگر اصلاح عبارتی است که نیاید رأی گرفت.

(اصلاح آقای متین السلطنه بمبارت ذیل خوانده شد) (بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت قاین و بیرجند

نوشته شود قاین و توابع یک نفر بیرجند و توابع یک نفر که جمماً دونا نماینده داشته باشد)

متین السلطنه - بنده می بینم که پیشنهادها هر چه میشود آقایان نمایندگان رد میکنند بنده هم

باین عقیده همراهم و اگر همیشه ابتکار را بکنند خیلی پیشنهاد نمیشود و در مجلس مذاکرات همین

واسطه کم میشود خیلی خوب ترتیبی است اما در این پیشنهاد بنده خوب است یک قدری غور بکنند

و با دلیل آن را رد بکنند تمام پایه عده نفوس بر آن

احصائیه است که در وزارت داخله و آقایان دیده اند و قائنات و توابع این دو قسمت را دویست هزار نفر جمعیت نوشته اند. حالا اگر باید بدویست هزار نفر یک وکیل بدهند بنده عرضی ندارم.

ذکاءالملک - منکر نمی شوم که جمعیت خراسان زیاد است ولی برای آن مطلبی که در نظر داشتیم آن مآخذی که معین کردیم برای تعیین نمایندگان

احصائیه بوده است بجهت اینکه در یک نقطه که نقطه مملکت احصائیه شده است و در باقی نشده است و در صورتی میتوانم از روی احصائیه حق انتخاب نماینده

بهمین که تمام مملکت دارای احصائیه شده باشد و وقتی که نام مملکت احصائیه بشود آنوقت بتمام مملکت

از روی احصائیه نماینده داده میشود والا اگر یکی از روی احصائیه بدهند و یکی را از روی تخمین این

به نظر بنده خیلی بی مناسبت میشود اینستکه تمام را از روی تخمین ظاهری تقسیم کرده اند و اینتقسیم حق

انتخاب نماینده بآن ها داده اند.

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح دیگر از طرف آقای متین السلطنه (باین عبارت خوانده شد)

(بنده پیشنهاد میکنم که بقوچان دوتفر نماینده داده شود)

رئیس - توضیح تقریباً همان است که گفته شد و راجع عده نفوس است.

متین السلطنه - خیر توضیح دیگری دارم و آن اینستکه باین ترتیبی که می بینم فایده ندارد و

مسترد میکنم.

رئیس - اصلاحی آقای اردبیلی پیشنهاد داده اند (باین مضمون خوانده شد)

(بنده پیشنهاد میکنم که عده نمایندگان خراسان (۱۷) نفر معین شود باین ترتیب که یک نفر بر عده

نمایندگان مشهد و توابع و یک نفر بطنس و توابع افزوده شود)

رئیس - یک قسمتش راجع بشهد و توابع است که پنج نفر باشد در او باید رأی گرفت

آقاسید حسین اردبیلی - اینجا هر قدر رعایت متناسب را نکرده باشیم ولی اینقدر را گویا

میتوانیم تصور کنیم که مشهد را بآن چند توابع هر قدر کم حساب بکنیم کمتر از دولت تبریز و

آقای صدرالعلماء فرمودند بنده تصدیق میکنم فرمایشاتشان را که شش نفر معین کرده بودند که

قدر دولت تبریز و توابع باشد حالا نظر باینکه هشت دولت نظری دارند که عده واقعی را کمتر معین

کنند بنده هم همین ملاحظه یکسی از عده واقعی کمتر پیشنهاد کرده ام بواسطه اینکه جام و باخرز

یک نفر و مشهد طبیعتاً کمتر از ۴ نفر صد هزار نفر عده نفوس ندارد و جاهای دیگر هم که صد هزار نفر دارد

برای مشهد و جام و باخرز نسبت بقارس هم باید یک نفر اضافه کرد و این حد اقلی است معین

میشود تصور نکنیم که حق اینرا داشته باشند که آنها هم یک وکیل داشته باشند باینجهت ملاحظه می کنم که

اگر پنج نفر برای شش معین شود آنوقت رعایت تناسب شده است و طبعاً و توابع که تقریباً در مساحت

چهل فرسخی مریمی واقع شده است و تقریباً سطح وسیع است و گمان میکنم مثل سبزواری و نریمان حق

دارند و حق داشتند اضافه کنند و همانطور دوتفر باشد **رئیس** - رأی میگیریم اول در قسمتی که راجع است بشهد و توابع آقایانیکه اصلاح آقای اردبیلی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد یک نفره هم که راجع به طبع است آن را هم باید رأی گرفت آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام

نه نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقای هشترودی (ببابت ذیل قرائت شد)

« بنده پیشنهاد میکنم که عده وکلای خراسان شانزده باشد »

هشترودی - چون بنده اطمینان پیدا کردم از فرمایشات آقایان نمایندگان خراسان و آن تعداد نفوس کمیگویند لهذا عرض میکنم که (۱۵) نفر

برای آنجا کم است و در آذربایجان که میتوانستیم که بیش به بریم بجهت این بود که مجلس مساعدت نکرد

گذشت ولی حالا اگر مجلس مساعدت کند برای خراسان همین ۱۶ نفر را پیشنهاد میکنم که آن یک نفر

هم جزء مشهد و رادکان باشد

رئیس - آقای مغیر قبول دارید این اصلاح را

ذکاءالملک - بنده عرض خودم را کردم

رئیس - پس رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد آقای هشترودی را قابل توجه میدانند قیام

نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد حالا رأی میگیریم به لایحه کمیسیون که عده نمایندگان خراسان را

(۱۶) نفر معین کرده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

محمد هاشم میرزا - پس بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم بجهت اینکه پیشنهاد کمیسیون

تصویب شد

رئیس - یک مطلب دیگر جزء دستور است که باید رأی داده شود و مجلس ختم شود و آن راپورت

کمیسیون بودجه راجع بپورته مرحوم وکیلالتجار است یعنی تکلیف این مسئله باید معین شود

(راپورت مزبور ببابت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بوراث مرحوم وکیلالتجار

قرائت گردید نظر بخدمتیکه مرحوم وکیلالتجار در ابتدای مشروطیت و دوره انقلاب در راه آزادی

نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ پنجاه تومان ماهیانه در باره وراثت قانونی مرحوم مزبور

برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون با اکثریت ماهیانه بیست تومان تصویب مینماید

ماده - مبلغ بیست تومان ماهیانه در باره وراثت قانونی مرحوم وکیلالتجار پانزده ساله برقرار میشود

حاج سید ابراهیم - کلبه در خیلی از تصویبات مجلس بنده مخالفم که کلمه ماهیانه قید

میشود و این اسباب زحمت وزارت مالیه میشود که صاحبان آن ماهیانه از وزارت مالیه مطالبه میکنند و سایر ارباب حقوق سالیانه داده میشود هیچ جهت

ندارد که بعضی ماهیانه باشد و بعضی سالیانه پس بلا حظه اینکه کلبه حقوق جزء شبه دیون عمومی است و سالیانه است نباید بعنوان ماهیانه تصویب شود و بنده میدانم از وقتی که ترتیب ماهیانه پیش آمده اسباب زحمت وزارت مالیه شده است و عقیده بنده این است که اگر هم پیشنهاد میشود سالیانه باشد مثل تمام حقوق و عطایات دولت و همه اش یک رشته و بی یک نسق باشد

افتخار الواعظین - امیدوارم که مجلس شورای ملی کمال مساعدت را بفرماید که این مسئله امروز بگذرد و چون بنده میدانم کاین بیست تومان صرف تعلیم پسر مرحوم وکیلالتجار خواهد شد و برای مخارج کس و کارش نیست و مخارج تعلیم هم ماهیانه است تصور میکنم اگر ماهیانه تصویب شود که صرف تربیت و تعلیم اطفال او از بازمانده کاش هستند بهتر باشد

حاج شیخ الرئیس - بنده نظر بسوابق اطلاعی که دارم از خدمات مرحوم سابق الفکر میتوانم تصویب کنم برای ورثه او که بیش از این هم داده شود ولی برای اینکه سابقه نشود البته باین نظر تصویب نمیشود بجهت نظریکه آقایان نمایندگان محترم مقرر فرمودند برای تربیت و تعلیم و ترقی پسر و دختر او که از بازمانده گان او هستند داده میشود و همین جهت من ورثه قانونی را تجویز نمیکنم زیرا که زن هم ورثه قانونی است و این مبلغ برای تعلیم اطفال او است

رئیس - دوم مرتبه قرائت میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود

(اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند ورقه سفید (۴۵) ورقه آبی (۱) ورقه بلااسم (۴)

رئیس - با اکثریت (۴۵) رأی از (۷۲)

نفر نمایندگان حاضر تصویب شد دستور فردا ساعت ۳ با قریب مانده بقیه قانون انتخابات راپورت کمیسیون

بودجه راجع ببار بار بلف الله و سیف الجاهدین

حاج سید ابراهیم - بنده مخالفم با اینکه تا قانون انتخابات نگذرد چیز دیگری جزء دستور

شود و عقیده بنده اینستکه یکروز نبودن مجلس برای مملکت مضرات و نباید هیچ چیز دیگری غیر از

قانون انتخابات جزء دستور باشد که زودتر قانون انتخابات تمام شود و در این یکماه که بدوره جدید

باقی مانده است اعلان انتخابات بشود که شروع بانتخاب

بشود آنوقت مجلس منفصل شود نهایت چاره است که ما از برای مملکت بکنیم این است که عرض کردم که

غیر از نظامنامه انتخابات چیز دیگری جز دستور نشود

رئیس - این مطلبی که جزء دستور گذاشته ایم بدون مذاکره خواهد گذشت و ممکن است پنجدهقیقه

بگذرد و در واقع چیزی که در دستور است همان قانون انتخابات است

ادیبالتجار - بنده استدعا میکنم که ماده قانونی که پیشنهاد کرده ام بامضاء (۴۱)

نفر نمایندگان محترم جزء دستور بگذارید که قرائت شود

رئیس - قرائت بشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد)